
من کنت مولاه فهذا علی مولاه
مرتضی
مصطفی
علی
در صحنه‌ی غدیر
محمد مهدی

بسم الله الرحمن الرحیم

# در صحنه غدیر


نویسنده:

محمد مهدی رکنی یزدی



ناشر چاپی:

معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# در صحنه غدیر

## مشخصات کتاب

سرشناسه : رکنی یزدی، محمدمهدی، ۱۳۰۹-

عنوان و نام پدیدآور : در صحنه غدیر / نویسنده محمدمهدی رکنی یزدی؛ تهیه و تولید اداره تولیدات فرهنگی؛ [برای] آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی.

مشخصات نشر : مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری : ۷۲ ص.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۹-۱۰۰-۳

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه .

موضوع : غدیر خم

موضوع : غدیر خم -- احادیث

شناسه افزوده : موسسه انتشاراتی قدس رضوی

شناسه افزوده : آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

شناسه افزوده : آستان قدس رضوی. اداره تولیدات فرهنگی

رده بندی کنگره : BP۲۲۳/۵/ر۸د۴ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۵۲

شماره کتابشناسی ملی : ۳۶۲۶۳۹۵

ص:۱

## اشاره

## فهرست

## پیش گفتار

سخن از رویداد غدیر و اثبات درستی آن، بازخوانی یک داستان گذشتهٔ تاریخی نیست؛ بلکه ارتباط مستقیم با عقیدهٔ دینی و نظر سیاسی ما دارد و طرح آن برای آشنایی بیشتر با سرگذشت اسلام و سنّت نبوی و تشیّع علوی است. آری؛ برای آگاهی از تعلیمات قرآن دربارهٔ حکومت و ادارهٔ اجتماع و آنچه فلسفهٔ سیاسی اسلام می خوانیم، چاره ای جز حضور در «صحنهٔ غدیر» نداریم:

رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در هجده ذی قعدهٔ سال دهم هجری، بعد از گزاردن مراسم حج و در بازگشت به مدینه، به امر پروردگار،(۱) در دشت تفتیدهٔ جُحفه، در کنار آبگیر خُم و با حضور انبوهی از حج گزاران، مجلسی بی نظیر تشکیل دادند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در این گردهمایی عظیم، ضمن چند ساعت سخنرانی و ارشاد و وصیت، امام و رهبر و فرمانروا و زمامدار مسلمین را برای آخرین بار به صورت عمومی و رسمی معرفی و تکلیف امت اسلام را تا پایان جهان معین کردند؛ شرایط حاکم و حکومت اسلامی را نام برد و ایمان و نفاق و حق و باطل، همه را آشکارا و با تأکید بیان کرد.

عیدشمردن روز غدیر و یادآوری حادثه ای که در بردارد و بازگوکردن خطبهٔ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در این روز عزیز که محدثان و مورخان و مفسّران، ذیل آیات مربوط به آن، از اهلِ سنت نیز نقل کرده اند؛ نه تنها نباید برادران سنّی ما را دلگیر کند، بلکه بر پایهٔ حقیقت طلبی و شناخت وقایع مسلّم تاریخی، باید موردِاستقبال آن ها نیز قرار گیرد و در این مطلب بیندیشند که چرا علمای بزرگ و مصلحان خیراندیش از هزار سال قبل، بر



---

۱- . مائده، ۶۷ .

این روز و رویداد آن تکیه کرده اند؟

در بررسی علمی و بی تعصب به این نتیجه می رسیم که خطبۀ غدیر با حیات اجتماعی اسلام و استقلال و آزادی مسلمانان ارتباط مستقیم دارد؛ زیرا بحث امامت علاوه بر بُعد معنوی و ویژگی های امام معصوم، پاسخ این سؤال است که زمام امور مسلمین باید در دست چه گروهی باشد؟ آنان که حقوق سیاسی را در دانشگاه های آمریکا و اروپا تحصیل کرده اند و تحتِ تأثیر آراء آن ها هستند یا فقیهانی باتقوا، بابصیرت و آگاه به اوضاع زمان که از قرآن مجید و سنّت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و شیوۀ حکومت امام علی و فرزندان معصومشان علیهم السلام می توانند در «حوادث واقعه»، تکلیف مسلمانان را استنباط کنند و با بهره گیری از متخصصان هر رشتۀ علمی سیاست کشورهای اسلامی را تبیین کنند؟ به راستی کدام گروه برای زمامداری شایسته اند؟

خطبۀ ارزشمند غدیر، شرایط رهبری و سیاست کلی کشورهای اسلامی را تعیین می کند که در زمان ما و عصر اطلاعات اهمیت بیشتری نیز یافته است.

ما طرح چنین بحث هایی را در این زمان که بیش از هر زمان دیگری، شیعه و سنی به اتحاد و تفاهم نیاز دارند، نه تنها مایۀ اختلاف نمی دانیم؛ بلکه بهترین راه برای معرفی مبانی تشیّع و ایجاد حُسن تفاهم با برادران اهلِ سنت برمی شمریم و معتقدیم که در عصر تحقیق و تفحّص، این روشِ بحث و استدلال، برای زدودن شبهات و رفع تهمت هایی که دشمنان مشترک ما به هر دو فرقۀ شیعه و سنی زده اند، عاقلانه ترین شیوه است.

ص:۵

با اندکی تفکر درمی یابیم که مسلمانان در جهان سُلطه جوی کنونی و باوجود مستکبران، دو وظیفهٔ مهم دارند: نخست، وظیفهٔ سیاسی اسلامی که آن، احتراز از مایه های تفرقه و ایجاد وسایل اتحاد و حُسن تفاهم است تا طبق حدیث معروف نبوی، همه مقابل غیرمسلمانان، برادرواز قدرت واحد باشیم.(۱)

دومین وظیفه شناخت واقعیات تاریخ اسلام است و آنچه بر سر مسلمین آمده است که به صورت کشورهای کوچکِ مخالف یکدیگر درآمده اند! این سرگذشت غم انگیز را باید در تاریخ چند قرن اخیر کشورهای استعمارگر غربی و مستعمره ها خواند که جای شرحش نیست؛ پس به چند بحث مقدماتی دیگر دربارهٔ غدیر می پردازیم.



---

۱ - ۲. امالی المفید، ص۱۸۷: اشاره به بخشی از گفتار نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در مسجد خیف که فرموده اند: «اَلْمُؤمِنُونَ إِخْوَةٌ تَتَکافَی دِمَاؤُهُمْ وَ هُمْ یَدٌ عَلَی مَنْ سِوَاهُمْ...؛ مؤمنان برادرند، خونشان برابر است و در برابر غیرخودشان همدست هستند... .»

## غدیر چیست؟

در بیابان های خشک، رگبارهایی در بهاران فرو می ریزد و گودال هایی خُرد و کَلان در دامنهٔ کوه و دشت، تشنه و آماده، به قدر گنجایش خود، آب باران را در بر می گیرند و ذخیره می کنند.

این مایهٔ حیات، رویش گیاهان و درختانی خاص را سبب می شود و در آن هوای گرم، رهگذران را به خود می خواند تا دمی بیاسایند... این گونه است که «غدیرها» در طبیعت شکل می گیرند و از آن ها استفاده می شود. «غدیر» در پارسی به آبگیر، بِرکه، تالاب و شمر معنا شده است.(۱)

در آثار اسلامی، در شعر، نثر، تاریخ، حدیث و تفسیر با ترکیب های واقعهٔ غدیر، روز غدیر، عید غدیر، حدیث غدیر و غدیرخم مکرّر برمی خوریم. مقصود از همهٔ این ها رویداد تاریخی هجده ذی حجه سال دهم هجری و سخنرانی بلندی است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بعد از اقامهٔ نماز ظهر در کنار غدیرخُم بیان فرمودند و در آن، مناقب علی بن ابی طالب را بر شمرده و این بزرگوار را به امامت و ولایت مسلمین منصوب کردند.

## غدیر خُم کجاست؟

در سرزمین عربستان، بین دو شهر بزرگ مکه و مدینه، در فاصلهٔ دو میلی جُحفه، آبگیری است به نام «خُم».(۲)

اهمیت آب در چنین مناطق خشکی، موجب شده است که نام این غدیر به صحرایی که در آن واقع شده است نیز گفته شود؛ بدین جهت غدیرخم را وادیِ بین مکه و مدینه، در نزدیکی جُحفه که پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم در آن خطبه خواندند نیز نوشته اند.(۳)



---

۱- . علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، غدیر. شواهد شعری فارسی را در این مأخذ می توان دید.
۲- . مُعجم البُلدان، یاقوت حموی: خُم.
۳- . وفیات الأعیان، ج۲، ص۲۲۳.

غـدیرخم با چنـد تک درخت بیابانی و آب درون برکه، منزلگاه مناسبی برای کاروانیان و رهگذران فرسودهٔ میان مکه و مدینه است. به علاوه ازنظر جغرافیـایی هم موقعیـتی خـاص دارد؛ ازاین جهت که در بـازگشت از مکه، راه اهـلِ مـدینه و مصـریان و عراقیان در آنجا از

یکـدیگر جدا می شود؛ بنابراین مکان مناسبی برای سـخنرانی عمومی و ابلاغ مطلبی همگانی است. پس علت انتخاب آن محل خاص، موقعیت جغرافیایی اش بوده است.

از دیرزمان که جغرافی دانان و تاریـخ نویسان، نامی از «غـدیرخم» برده اند، این واقعه را یادآور شده اند که پیامبر معظم اسـلام صلی الله علیـه و آلـه وسـلم در آنجـا خطبه ای بلیـغ در فضایـل علی علیه السـلام و اولـویّت و امـامتش ایراد کرد که انبـوهی از مسلمانان آن را شنیدند. تعداداین جمعیت را تا بیش از صدهزار تَن هم گفته اند.

## عید غدیر

در تاریـخ کهن سال بشـر، روزهای مهم و سـرنوشت سازی وجود دارد. مورّخان به دلیل اهمیت فراوان و آثار مفید این ایام، با یـادآوری مجدّدِ هرسـاله، آن روزهـا را در خـاطر مردم ضـبط می کننـد و بـدین گونه شناسـنامهٔ فرهنگی و کارنامـهٔ افتخارات کشورها نگاشته می شود.

این روزهـای افتخـارآفرین، در تقویم و تاریـخ هـای ملت هـا، «عیـد» نامیـده می شود؛ یعنی روزی که پیروزی ملّی یـا شادمانی عمومی در آن «عَود» می کند و خاطرات خوش گذشتگان و موفقیت های قومی یا دینی و اعتقادی، تجدید می شود.

ص:۸

در آیین اسلام که بر پایۀ ایمان و عمل صالح پایه گذاری شده است، دو عید بزرگ فطر و قربان، یکی بعد از پایان یک ماه روزه داری و تزکیۀ نفس و دیگری با حضور در آیین جهانی حج و بیرون رفتن از تعلقات مادی وضع شده است؛ یعنی مسرّت و شکرگذاری از توفیقی که برای ادای فریضۀ روزه و حج پیدا کرده است.

بعضی از اعیاد دیگر، به مناسبت رویدادهای مهم تاریخی است که منشأ هدایت و فَلاح انسان ها شده است؛ مانند: عید مبعث و غدیر. اگر علت اهمیت ایام را آثار معنوی و تربیتی آن ها بدانیم، بی شک بعد از مبعث رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم ، روز غدیر، مهم ترین و گرامی ترین روزهاست و سزاوار بزرگداشت و عیدگرفتن؛ زیرا ادامۀ بعثت و تکمیل همان انگیزش فرهنگی و گذر از ظلمتِ جهل و شرک به نور علم و یکتاپرستی و از عداوت زمان جاهلیت به برادری اسلامی است.

عید غدیر، روز اکمال دین و اتمام نعمت اسلام است؛ زیرا روزی است که در آن، شایسته ترین رهبر و حاکم دادگستر برای اجرای احکام قرآن تعیین و تثبیت شده است.

عید غدیر، روزی است که در آن، زمام مسلمانان به دست عدالت محض و حق آشکار و توحید خالص سپرده شده است.

عیدغدیر روزی است که امامت و امیرمؤمنان بودن علی بن ابی طالب علیه السلام ازطرف خداوند عالَم، به زبان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم ابلاغ شده و در وفای به آن، از مسلمانان پیمان گرفته شده است و بزرگان اصحاب بر این منصب به او (امام علی علیه السلام ) تبریک و تهنیت

ص:۹

گفتند و حسّان بن ثابت به زبان رسای شعر، واقعه را بازگو کرد.(۱)[h۱]

این مزایا سبب شده است که هجدهم ذی حجه برتری خاصی پیدا کند و در سرشت خود، روزی مبارک و فرخنده و شایستهٔ عیدبودن باشد؛ به ویژه که ازسوی امامان معصوم علیهم السلام نیز به اهمیت و عیدبودنش تصریح شده است. ازجمله امام صادق علیه السلام به نقل از پدران خود و آن بزرگواران علیهم السلام از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرمایند: «روز غدیر بافضیلت ترین عیدهای امت من است و آن روزی است که خدای تعالی امر کرد که برادرم علی بن ابی طالب را نشانی راهنما در مسیر حیات امّتم قرار دهم تا پس از من، به وسیلهٔ او راه یابند و به ضلالت نیفتند. [غدیر،] روزی است که خدا دین را در آن کامل و نعمت را بر امّتم تمام کرد و خشنود شد که اسلام، دین آنان باشد.»(۲)

سیرهٔ امام رضا علیه السلام نیز چنین بود که در روز غدیر، شیعیان و اطرافیان خود را اکرام می کردند و بیش از آنچه رسم بود، به آنان هدیه می دادند.(۳)

[h۱]ص؟؟؟

عیدبودن غدیرخم، در کتب تاریخی هم منعکس است؛ چنان که ریاضی دان و مورّخ بزرگ، ابوریحان بیرونی نوشته است: «روز هجدهم ذی حجه، عید غدیرخم است و آن منزلی(۴)

است که پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم پس از حجه الوداع، در آنجا فرود آمد... .»(۵)

این دانشمند، در ادامهٔ این مطلب، گفتار حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم را درزمینهٔ ولایت و فضیلت امام علی علیه السلام نقل می کند.



---

۱- . نک: الغدیر، ج ۱.

۲- . نک: الغدیر، ج ۱، ص۲۸۳.

۳- . نک: همان، ج ۱، ص۲۸۷.

۴- . محل نزول کاروان

۵- . ترجمهٔ آثار الباقیه، ص ۳۹۵؛ متن عربی، ص۳۳۴.

## در صحنهٔ غدیر و حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم

انسان این توان را دارد که بر بال اندیشه نشسته و در سفری معنوی، فکر خود را به قرن های گذشته بفرستد. از این توانایی استفاده می کنیم و از میان حوادث سرنوشت ساز گذشته، مقطعی از تاریخ اسلام، یعنی سال دهم هجری و روز هجدهم ذی حجه را برمی گزینیم تا بنگریم صحنه ای را که تاریخ نویسان و مفسّران برای ما ترسیم کرده اند:

اینک دشت جُحفه را لبریز از جمعیت می بینیم. شوق شنیدن آخرین تعلیمات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم ، ضربان قلب ها را با نرم آهنگِ عبور لحظه ها دَر هم آمیخته و دیدن چهره ملکوتی اش چشم ها را از انتظار پُر و گرمای آفتاب تن گداز را تحمل پذیر کرده است.

با دستِ خیال، پردهٔ قرون را کنار می زنیم و با پای اندیشه، خویشتن را به انبوه هزاران صحابی حج گزارده می رسانیم. برای نیوشیدن نوای آسمانی پیامبرمان که از عمق وجود مبارکشان برمی خیزد، در مجلس می نشینیم و گفتار آن عزیز صلی الله علیه و آله وسلم را استماع می کنیم که با تکرار مُعیدها(۱) به گوش همگان رسانده می شود:

توحید خالص، کمال عبودیّت در برابر پروردگار جهانیان و تسلیم بودن در برابر حُکمش، ادای وظیفهٔ پیغام رسانی، اعتراف گرفتن از حاضران بر رساندن پیام الهی، بیم از انحراف امّت پس از وی و برحذرداشتن از آن، ویژگی و خصوصیات مؤمنان و منافقان، شاهدآوردن از آیات قرآن، بشارت و انذار، معرفی آشکار و مکرّر حضرت علی علیه السلام به امامت و توصیه به اطاعت



---

۱- . مُعید: اعاده کنندهٔ درس یا گفتار (نک: لغت نامهٔ دهخدا). در گذشته، در مجالس تدریس یا سخنرانی هایی که جمعیت زیاد بوده است، از اشخاصی که صوتی رسا داشتند، برای تکرار مطالب استفاده می کردند. این افراد، مُعید خوانده می شدند.

از آن حضـرت علیه السـلام ، یـادکردن امامـان معصوم علیهم السـلام از نسـل امـام علی علیه السـلام ؛ به ویژه نـام بردن از امـام مهـدی، قائم منتظَر(عجل الله تعالی فرجه الشـریف) و بالاخره تعیین حضـرت علی علیه السـلام به عنوان مخزن علم نبَوی، مفسّـِر قرآن، امیر مؤمنـان و میزان حـق و باطـل و درنهـایت، بیعـت گرفتن از مردم بر آن، فهرست مطـالبی است که ازسـوی آن رهـبر نگرانِ حال مسـلمین (پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله وسلم )، ضمن چند ساعت سخنرانی بیان و بر رساندن آن ها به آیندگان سفارش شده است.

مأخذ مترجم در نقل خطبه، کتاب الاحتجاج علی اهل اللجاج، تألیف ابومنصور احمدبن علی طبرسی است که در نیمهٔ دوم قرن پنجم و اوایـل قرن شـشم می زیسـته است. در کتـاب گفته شـده، راویان خطبه نام برده شـده انـد که در این نوشـتار از نقل آن صرفِ نظر شد.

در تجدیـدنظری که برای چاپ دوّم به عمل آمـد ضـمن مقابلـهٔ متن خطبه با چاپ جدیـد الاحتجاج، ترجمهٔ آن نیز بازنگری و اصلاح شد.

امید است ویرایش جدید کتاب حاضر، با حجم کمتر، بیانی بهتر یافته باشد و جوانان بتوانند زودتر در مجلس روحانی و پرشور پیامبر اعظم صـلی الله علیه و آله وسـلم حضور یافته و با تندیس عدالت و مجسمهٔ حقیقت و جانشین نبوت، دست بیعت دهند و عملاً پیروی از ایشان را پذیرا شوند.

این است خطابـهٔ بلند و بلیغ رسول خدا و ختم انبیا صـلی الله علیه و آله وسـلم از بیان امام محمدبن علی، باقرالعلوم علیه السـلام برابر روایتی که در کتاب الاحتجاج آمده است:

## خطبهٔ رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در غدیرخُم

ص:۱۳

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی عَلَا فِی تَوَحُّدِهِ، وَ دَنَا فِی تَفَرُّدِهِ، وَ جَلَّ فِی سُلْطَانِهِ، وَ عَظُمَ فِی أَرْكَانِهِ، وَ أَحَاطَ بِكُلِّ شَیْ ءٍ عِلْماً، وَ هُوَ فِی مَكَانِهِ وَ قَهَرَ جَمِيعَ الْخَلْقِ بِقُدْرَتِهِ وَ بُرْهَانِهِ، مَجِيداً لَمْ يَزَلْ، مَحْمُوداً لَا يَزَالُ، بَارِئُ الْمَسْمُوكَاتِ وَ دَاحِی الْمَدْحُوَّاتِ، وَ جَبَّارُ الْأَرَضِينَ وَ السَّمَاوَاتِ.

سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَهِ وَ الرُّوحِ، مُتَفَضِّلٌ عَلَى جَمِيعِ مَنْ بَرَأَهُ مُتَطَوِّلٌ عَلَى جَمِيعِ مَنْ أَنْشَأَهُ.

يَلْحَظُ كُلَّ عَيْنٍ وَ الْعُيُونُ لَا تَرَاهُ، كَرِيمٌ حَلِيمٌ ذُو أَنَاهٍ. قَدْ وَسِعَ كُلَّ شَیْ ءٍ رَحْمَتُهُ، وَ مَنَّ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِهِ، لَا يَعْجَلُ بِانْتِقَامِهِ وَ لَا يُبَادِرُ إِلَيْهِمْ بِمَا اسْتَحَقُّوا مِنْ عَذَابِهِ.

قَدْ فَهِمَ السَّرَائِرَ، وَ عَلِمَ الضَّمَائِرَ وَ لَمْ خَ تْفَ عَلَيْهِ الْكُنُونَاتُ، وَ لَ

اشْتَبَهَتْ عَلَيْهِ اْ خ لَفِيَّاتُ.

شَ یءٍ

شَ یءٍ وَ اْلقُوَّهُ فِی كُّل ِ

شَ یءٍ، وَ اْلغَلَبَهُ عَلَى كُّل ِ

بِكُّل حَاطَهُ ِ

لَهُ اْل

وَ الْقُدْرَهُ عَلَى كُلّ شَیْ ءٍ.

ص:١۴

به نام خدای بخشندۀ مهربان

سپاس و ستایش خدایی را که در یکتاییِ خود، بلندمرتبه و در عین یگانگی، به موجودات نزدیک است؛ سلطنتش شکوهمند و أرکان قدرتش باعظمت است. بدون هیچ حرکت و انتقالی، علم و آگاهی اش همه چیز را فرا گرفته است و با قدرت و بُرهانش، بر عموم آفریدگان قاهر و غالب است.

بزرگواری اش دائم و همواره مورد حمد و ستایش است. بر فرازندۀ بلندی ها و گُسترانندۀ سطح زمین و مسلّط بر زمین و آسمان هاست.

بسیار منزَّه و پاک از هر عیب و بدی و پروردگار فرشتگان و روح است. تفضّل کننده است بر آنچه پدید آورده و افزون بخش است بر آنچه ایجاد کرده است.

هر چشمی را می بیند؛ ولی چشم ها او را نمی بینند. کریم و بُردباری است که بندگان را مهلت می دهد (با آن ها مدارا می کند). رحمتِ وسیعش همه چیز را فراگرفته و با نعمتِ فراوانش، به آفریده هایش احسان کرده است. در انتقام گرفتن [از گردنکشان] شتاب نکند و در عذابی که استحقاقش را یافته اند، سُرعت نگیرد.

قَدْ فَهِمَ السَّرَائِرَ، وَ عَلِمَ الضَّمَائِرَ وَ لَمْ تَخْفَ عَلَيْهِ الْمَكْنُونَاتُ، وَ لَا اشْتَبَهَتْ عَلَيْهِ الْخَفِيَّاتُ.

لَهُ الْإِحَاطَةُ بِكُلِّ شَيْ ءٍ، وَ الْغَلَبَةُ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ وَ الْقُوَّةُ فِي كُلِّ شَيْ ءٍ وَ الْقُدْرَةُ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ. وَ لَيْسَ مِثْلَهُ شَيْ ءٌ، وَ هُوَ مُنْشِئُ الشَّيْ ءِ حِينَ لَا شَيْ ءَ.

دَائِمٌ قَائِمٌ بِالْقِسْطِ، لَآ إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. جَلَّ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ، وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ.

لَا يَلْحَقُ أَحَدٌ وَصْفَهُ مِنْ مُعَايَنَةٍ، وَ لَا يَجِدُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ مِنْ سِرٍّ وَ عَلَانِيَةٍ، إِلَّا بِمَا دَلَّ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى نَفْسِهِ.

وَ أَشْهَدُ أَنَّهُ اللهُ الَّذِي مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسُهُ، وَ الَّذِي يَغْشَى الْأَبَدَ نُورُهُ، وَ الَّذِي يُنْفِذُ أَمْرَهُ بِلَا مُشَاوَرَةِ مُشِيرٍ،

مطالب پنهانی را می فهمد و به آنچه در ضمیر و باطن افراد است، علم دارد و نهفته ها بر وی پوشیده نیست و آنچه مخفی است، موجب اشتباه او نمی شود. او را بر همه چیز احاطه و غلبه است، تَوان و نیرویش در هر شیء، نافذ و قدرتش بر همه چیز مسلَّط است،

. وَ لَيْسَ مِثْلَهُ شَيْ ءٌ، وَ هُوَ مُنْشِئُ الشَّيْ ءِ حِينَ لَا شَيْ ءَ.

دَائِمٌ قَائِمٌ بِالْقِسْطِ، لآ إِلهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. جَلَّ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْاَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْاَبْصَارَ، وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ.

لَا يَلْحَقُ أَحَدٌ وَصْفَهُ مِنْ مُعَايَنَهٍ، وَ لَا يَجِدُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ مِنْ سِرٍّ وَ عَلَانِيَهٍ، إِلَّا بِمَا دَلَّ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى نَفْسِهِ.

وَ أَشْهَدُ أَنَّهُ اللهُ الَّذِى مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسُهُ، وَ الَّذِى يَغْشَى الْأَبَدَ نُورُهُ، وَ الَّذِى يُنْفِذُ أَمْرَهُ بِلَا مُشَاوَرَهِ مُشِيرٍ،

وَ لَا مَعَهُ شَرِيكٌ فِى تَقْدِيرٍ، وَ لَا تَفَاوُتٌ فِى تَدْبِيرٍ. صَوَّرَ مَا أَبْدَعَ عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ، وَ خَلَقَ مَا خَلَقَ بِلَا مَعُونَهٍ مِنْ أَحَدٍ وَ لَا تَكَلُّفٍ وَ لَااحْتِيَالٍ.

أَنْشَأَهَا فَكَانَتْ، وَ بَرَأَهَا فَبَانَتْ. فَهُوَ اللهُ الَّذِى لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمُتْقِنُ الصَّنْعَهِ الْحَسَنُ الصَّنِيعَهِ.

ص:۱۶

او را هیچ مثل و مانندی نیست؛ هستی بخش اشیاست؛ آنگاه که هیچ چیز وجود نداشت.

جاویدان موجودی است که برپای دارندۀ قِسط(۱) است. معبودی نیست جز او که عزیز(۲) و حکیم(۳)

است.

برتر است از اینکه دیدگان او را دریابند؛ ولی او دیدگان را دریافته می بیند که او لطیف(۴)

و آگاه است. هیچ کس با دیدن، نمی تواند او را وصف کند و اَحَدی چگونگی نهان و آشکار او را نمی یابد، جز آنچه ذات عزّ و جل، خودْ به شناسایی اش دلالت فرموده است.

شهادت می دهم اوست خدایی که آثار قدس و پاکی اش سراسر گیتی را پر کرده است؛ اوست خدایی که نورش ابدیّت را فرا گرفته است. آفریدگاری [است] که فرمانش را بدون مشورت با کسی اجرا می کند.

و در تقدیر و اندازه گیری امور برای او شریک وجود ندارد و در تدبیرش هیچ اختلاف و نابسامانی نیست.

آنچه را ایجاد کرده، بدون الگو و نمونۀ قبلی به تصویر کشیده و هر آنچه را آفریده، بی کمک اَحَدی و بدون به رنج افتادن و چاره جویی بوده است.

آفرید؛ پس موجودات، هستی یافتند؛ ایجاد کرد و عالم، ظهور یافت؛ پس اوست خدایی که جز او معبودی نیست؛ صُنعش استوار و ساخته اش نیکوست.

ص:۱۷

---

۱- . نصیب و قسمتی که عادلانه به هرفرد برسد.

۲- . قاهر و غالبی که هیچ گاه مغلوب نمی شود.

۳- . دانای حقیقی، استوارْکار، درست کارِ درست گفتار.

۴- . عالم به دقایق امور، باریک دان.

اَلْعَدْلُ الَّذِی لَا یَجُورُ، وَ الْأَکْرَمُ الَّذِی تَرْجِعُ إِلَیْهِ الْأُمُورُ.

وَ أَشْهَدُ أَنَّهُ الَّذِی تَوَاضَعَ کُلُّ شَیْ ءٍ لِقُدْرَتِهِ وَ خَضَعَ کُلُّ شَیْ ءٍ لِهَیْبَتِهِ. مَلِکُ الْأَمْلَاکِ وَ مُفْلِکُ الْأَفْلَاکِ وَ مُسَخِّرُ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ، کُلٌّ یَجْرِی لِأَجَلٍ مُسَمًّی.

یُکَوِّرُ اللَّیْلَ عَلَی النَّهَارِ وَ یُکَوِّرُ النَّهَارَ عَلَی اللَّیْلِ، یَطْلُبُهُ حَثِیثاً.

قَاصِمُ کُلِّ جَبَّارٍ عَنِیدٍ، وَ مُهْلِکُ کُلِّ شَیْطَانٍ مَرِیدٍ.

لَمْ یَکُنْ مَعَهُ ضِدٌّ وَ لَا نِدٌّ، أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً أَحَدٌ.

إِلَهٌ وَاحِدٌ وَ رَبٌّ مَاجِدٌ یَشَاءُ فَیُمْضِی، وَ یُرِیدُ فَیَقْضِی، وَ یَعْلَمُ فَیُحْصِی، وَ یُمِیتُ وَ یُحْیِی، وَ یُفْقِرُ وَ یُغْنِی، وَ یُضْحِکُ وَ یُبْکِی، وَ یَمْنَعُ وَ یُعْطِی.

لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ هُوَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ.

یُولِجُ اللَّیْلَ فِی النَّهَارِ وَ یُولِجُ النَّهَارَ فِی اللَّیْلِ،

همه عدل است و ستم نکند و کریمی است که بازگشت اُمور عالم به اوست.

گواهی می دهم اوست خدایی که همه چیز در برابر قدرتش به فروتنی سرنهاده و در برابر شکوهش خاضع و کوچک است.

مالک و صاحب املاک (مال ها و حکومت ها) و گردانندهٔ افلاک است. تسخیرکنندهٔ خورشید و ماه است که هریک تا زمانِ معلومی به حرکت خود ادامه می دهد. توانایی است که شب را به روز و روز را به شب می پوشاند درحالی که هریک، دیگری را شتابان می طلبد.

درهم شکنندهٔ هر ستمگرِ کینه توز و ستیزه جو و نابودکنندهٔ هر شیطان سرکش است.

برای او ضِد و شبیه و شریکی(۱)

نیست. یکتایی است که مقصود همگان و پناه نیازمندان است؛ نمی زاید و زاییده هم نشده است؛ هیچ کس همتا و همانند او نیست.

خدایی یگانه و پروردگاری بلندمرتبه که آنچه بخواهد، اجرا می کند و هرچه را اراده فرماید، برطِبق آن حکم می کند. همه چیز را می داند و شماره می کند؛ می میراند و زنده می کند؛ تهی دست کرده و بی نیاز می کند؛ می خنداند و به گریه درمی آورد؛ عطایش را باز می گیرد و می بخشد؛ سلطنت و فرمانروایی برای او و ستایش، ویژهٔ اوست؛ خوبی ها همه به دست اوست و بر همه چیز تواناست؛ شب را به روز و روز را به شب داخل می کند.

ص:۱۹

---

۱- . نک: المفردات: «نَديدُ الشَّیْءِ مُشَارِكُهُ فِي جُوهَرِه وَ ذَالِكَ ضَربٌ مِنَ المُمَاثَلَه» (ندید هر شیء شریک در ذاتش بوده و این نوعی از همانندی است.)

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ.

مُجِيبُ الدُّعَاءِ وَ مُجْزِلُ الْعَطَاءِ، مُحْصِى الْأَنْفَاسِ وَ رَبُّ الْجِنَّهِ وَ النَّاسِ.

لَا يُشْكِلُ عَلَيْهِ شَيْ ءٌ، وَ لَا يُضْجِرُهُ صُرَاخُ الْمُسْتَصْرِخِينَ، وَ لَا يُبْرِمُهُ إِلْحَاحُ الْمُلِحِّينَ.

الْعَاصِمُ لِلصَّالِحِينَ، وَ الْمُوَفِّقُ لِلْمُفْلِحِينَ، وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ رَبُّ الْعَالَمِينَ؛ الَّذِى اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ أَنْ يَشْكُرَهُ وَ يَحْمَدَهُ أَحْمَدُهُ عَلَى السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ الشِدَّهِ وَ الرَّخَاءِ.

وَ أُومِنُ بِهِ وَ بِمَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ. أَسْمَعُ أَمْرَهُ وَ أُطِيعُ وَ أُبَادِرُ إِلَى كُلِّ مَا يَرْضَاهُ، وَ أَسْتَسْلِمُ لِقَضَائِهِ، رَغْبَهً فِى طَاعَتِهِ وَ خَوْفاً مِنْ عُقُوبَتِهِ، لِأَنَّهُ اللهُ الَّذِى لَا يُؤْمَنُ مَكْرُهُ وَ لَا يُخَافُ جَوْرُهُ.

وَ أُقِرُّ لَهُ عَلَى نَفْسِى بِالْعُبُودِيَّهِ، وَ أَشْهَدُ لَهُ بِالرُّبُوبِيَّهِ، وَ أُؤَدِّى مَا أَوْحَى إِلَيَّ حَذَراً مِنْ أَنْ لَا أَفْعَلَ، فَتَحُلَّ بِى مِنْهُ قَارِعَهٌ لَا يَدْفَعُهَا عَنِّى أَحَدٌ وَ إِنْ عَظُمَتْ حِيلَتُهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ.

لِأَنَّهُ قَدْ أَعْلَمَنِى إِنْ لَمْ أُبَلِّغْ مَا أُنْزَلَ إِلَيَّ فَمَا بَلَّغْتُ رِسَالَتَهُ، وَ قَدْ ضَمِنَ لِى تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْعِصْمَهَ وَ هُوَ اللَّهُ الْكَافِى الْكَرِيمُ فَأَوْحَى إِلَيَّ:

معبودی نیست جز او که قدرتمندِ بسیار آمرزنده است. اجابت کنندهٔ دعا و بخشندهٔ عطا، شمارشگرِ نفَس ها و پروردگار جِن و اِنس است.

هیچ کاری برای او سخت و دشوار نیست، فریاد دردمندان او را آزرده و دلتنگ نسازد و پافشاری اصرارکنندگان او را ملول و خسته نکند.

نگهدار شایستگان [از خطا و لغزش]، توفیق بخش رستگاران، صاحب اختیار مؤمنان و پروردگار جهانیان است. چنین خدایی حق دارد و سزوارست که همهٔ آفریدگان شکرش کنند و در شادی و بدحالی و سختی و راحتی، سپاس و حمدش گویند.

به او و فرشتگان و کتاب ها و رسولانش ایمان دارم. امرش را می شنوم و اطاعت می کنم. به هر کاری که او را خشنود می کند، سرعت می گیرم. حُکمش را گردن نهاده و تسلیم می شوم؛ چراکه طاعتش را مایل بوده از عقوبتش بیمناکم؛ زیرا او خدایی است نه فردی از مکر و فروگرفتن ناگهانی اش ایمن است و نه وحشت و ترسی از ظلمش دارد.

به بندگی ام در برابر خداوند اقرار می کنم و به پروردگاری اش گواهی می دهم. آنچه بر من وحی کرده است، ادا می کنم؛ زیرا می ترسم که اگر انجام ندهم، عذابِ کوبنده ای ازطرف او بر من فرود آید که اَحدی نتواند آن را از من دفع کند؛ هرچند بسیار تدبیر و چاره سازی کند چراکه جز او خدایی نیست.

همانا او به من اعلام فرمود که اگر آنچه بر من نازل شده است، ابلاغ نکنم؛ وظیفهٔ رسولی و پیام رسانی او را انجام نداده ام و خدای تعالی هم ضمانت کرده است که مرا حفظ کند و او خدای کفایت کنندهٔ کریم است؛ پس بر من وحی فرستاد:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

]يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْکَ مِنْ رَبِّکَ، وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللهُ يَعْصِمُکَ مِنَ النَّاسِ[(۱)

مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا قَصَّرْتُ فِی تَبْلِيغِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَی إِلَيَّ وَ أَنَا مُبَيِّنٌ لَكُمْ سَبَبَ نُزُولِ هَذِهِ الْآيَهِ.

إِنَّ جَبْرَئِيلَ عليه السلام هَبَطَ إِلَيَّ مِرَاراً ثَلَاثاً يَأْمُرُنِی عَنِ السَّلَامِ رَبِّی- وَ هُوَ السَّلَامُ- أَنْ أَقُومَ فِی هَذَا الْمَشْهَدِ فَأُعْلِمَ كُلَّ أَبْيَضَ وَ أَسْوَدَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ عليه السلام أَخِی وَ وَصِيِّی وَ خَلِيفَتِی وَ الْإِمَامُ مِنْ بَعْدِی الَّذِی مَحَلُّهُ مِنِّی مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَی إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِی وَ هُوَ وَلِيُّكُمْ بَعْدَ اللهِ وَ رَسُولِهِ. وَ قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی عَلَيَّ بِذَلِکَ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ: ]إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ[(۲)



---

۱- . مائده، ۶۷.

۲- . مائده، ۵۵.

به نام خدای بسیار بخشندهٔ مهربان

ای رسول! آنچه از پروردگارت به تو نازل شد، به مردم برسان که اگر چنین نکنی و نرسانی، رسالتش را ابلاغ نکرده ای [و وظیفهٔ پیغامبری را ادا نکرده ای؛ نترس که] خدا تو را از شرّ مردم حفظ خواهد کرد.(۱)

ای مردم! در رساندن آنچه خدای تعالی بر من نازل کرده است، کوتاهی نکرده ام و اینک سببِ نزولِ این آیه را برای شما روشن می کنم:

همانا جبرئیل علیه السلام سه مرتبه بر من فرود آمد و ازطرف خداوندِ سلام(۲)،

پروردگارم- و فقط او سلام است- به من فرمان داد که در این جمع و حضور همگانی بر پا ایستم و بر هر سفیدپوست و سیاه چهر ه ای (همگان) اعلام کنم که علی، فرزند ابوطالب، برادر و وصّی و جانشین من و امام بعد از من است. [او] آن [کسی است] که نسبت و منزلتش به من، مانند نسبت و موقعیّت هارون به موسی است؛ جز اینکه بعد از من، پیامبری نیست.

او بعد از خدا و پیامبرش، ولیّ و سرپرست شماست. خدای تبارک وتعالی دراین باره آیه ای از کتابش بر من فرو فرستاد: «همانا ولیِّ امر و صاحب اختیار شما تنها خدا و رسول او و آن مؤمنانی خواهند بود که نماز را به پا داشته و درحال رکوع [به فقیر] زکات می دهند».(۳)



---

۱- . مائده، ۶۷: برای ملاحظهٔ شأن نزول این آیه نک: الدُّرالمنثور، ج۲، ص۲۹۸.

۲- . نک: المفردات: خدای تعالی از آن جهت به «سلام» موصوف شده است که از عیوب و آفاتی که به خلق می رسد، سالم و دورست.

۳- . مائده، ۵۵: به اتفاقِ نظر مفسّرانِ عامّه و خاصّه، این آیه در شأن امام علی علیه السلام نازل شده است. نک: الکشّاف، جارالله زَمخشری، ج۱، ص۶۴۹ ؛ مجمع البیان، ج۳، ص ۲۱۰و۲۱۱؛ تفاسیر دیگر، ذیل همین آیه.

وَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام أَقَامَ الصَّلَاهَ وَ آتَی الزَّکَاهَ وَ هُوَ رَاکِعٌ یُرِیدُ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِی کُلِّ حَالٍ.

وَ سَأَلْتُ جَبْرَئِیلَ أَنْ یَسْتَعْفِیَ لِی عَنْ تَبْلِیغِ ذَلِکَ إِلَیْکُمْ أَیُّهَا النَّاسُ لِعِلْمِی بِقِلَّهِ الْمُتَّقِینَ وَ کَثْرَهِ الْمُنَافِقِینَ وَ إِدْغَالِ الْآثِمِینَ وَ خَتَلِ الْمُسْتَهْزِءِینَ بِالْإِسْلَامِ،

الَّذِینَ وَصَفَهُمُ اللهُ فِی کِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ یَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَا لَیْسَ فِی قُلُوبِهِمْ، وَ «یَحْسَبُونَهُ هَیِّناً ]وَ هُوَ عِنْدَ اللهِ عَظِیمٌ[(۱) وَ کَثْرَهِ أَذَاهُمْ لِی غَیْرَ مَرَّهٍ، حَتَّی سَمُّونِی أُذُناً وَ زَعَمُوا أَنِّی کَذَلِکَ لِکَثْرَهِ مُلَازَمَتِهِ إِیَّایَ وَ إِقْبَالِی عَلَیْهِ حَتَّی أَنْزَلَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِی ذَلِکَ قُرْآناً: ]وَ مِنْهُمُ الَّذِینَ یُؤْذُونَ النَّبِیَّ وَ یَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنُ خَیْرٍ لَّکُمْ یُؤْمِنُ بِاللهِ وَ یُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِینَ وَ رَحْمَهٌ لِّلَّذِینَ ءَامَنُوا مِنْکُمْ وَالَّذِینَ یُؤْذُونَ رَسُولَ اللهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِیمٌ [(۲)

وَ لَوْ شِئْتُ أَنْ أُسَمِّیَ الْقَائِلِینَ بِذَالِکَ بِأَسْمَائِهِمْ لَسَمَّیْتُ، وَ أَنْ أُومِیَ إِلَیْهِمْ بِأَعْیَانِهِمْ لَأَوْمَأْتُ وَ أَنْ أَدُلَّ عَلَیْهِمْ لَدَلَلْتُ، وَ لَکِنِّی وَ اللهِ فِی أُمُورِهِمْ قَدْ تَکَرَّمْتُ. وَ کُلُّ ذَلِکَ لَا یَرْضَی اللهُ مِنِّی إِلَّا أَنْ أُبَلِّغَ مَا أَنْزَلَ إِلَیَّ ثُمَّ تَلَا:



---

۱- . نور، ۱۵.

۲- . توبه، ۶۱.

و این علی پسر ابوطالب است که نماز را به پا داشت و درحال رکوع، زکات پرداخت و اوست که در همه حال جز خدای عزّ و جل هدف و مقصود دیگری ندارد.

من از جبرئیل خواستم که مرا از رساندن و گفتن این پیام به شما مردم مُعاف کند؛ زیرا از کمی تقواپیشگان و زیادی منافقان و نیرنگِ گناهکاران و فریبِ مسخره کنندگانِ اسلام آگاه بودم؛ همانان که خداوند در کتابش وصف کرده است و می فرماید: به زبان هاشان چیزی می گویند که در دل هاشان نیست و این را برای خود، کاری ساده و بی اهمیت حساب می کنند؛ «درحالی که نزد خدا خطایی بزرگ است.» آنان که [نه یک بار، بلکه] همواره مرا بسیار می آزردند تاجایی که مرا اُذُن (حرف شنو و خوش باور) نامیدند و گمان کردند، به علت همراهی زیاد علی با من و عنایت من به او، این چنین هستم؛ تا اینکه خدای عزّ و جل دراین باره آیه ای نازل فرمود: «از ایشان کسانی هستند که پیامبر را اذیّت می کنند و می گویند: 'او اُذُن (حرف شنوِ زودباور) است. بگو: 'زودباوری او به نفع شماست! [ولی بدانید] او به خدا ایمان دارد و [تنها] مؤمنان را تصدیق می کند و رحمت است برای کسانی از شما که ایمان آورده اند!» و آن ها که رسول خدا را آزار می دهند، عذاب دردناکی دارند!» اگر می خواستم گویندگانِ چنین گفتاری را نام ببرم، بیان کرده و به فردْفردشان اشاره می کردم و یک یک ایشان را معرفی می کردم؛ امّا به خدا سوگند، دربارهٔ آن ها بزرگواری می کنم؛ بااین همه خدا از من راضی نمی شود؛ مگر آنچه بر من فرو فرستاده است را برسانم. سپس

تلاوت فرمود:

]يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ[ (۱)

فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنَّ اللهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيّاً وَ إِمَاماً مُفْتَرَضاً طَاعَتُهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ عَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ وَ عَلَى الْبَادِی وَ الْحَاضِرِ وَ عَلَى الْأَعْجَمِیِّ وَ الْعَرَبِیِّ وَ الْحُرِّ وَ الْمَمْلُوكِ وَ الصَّغِيرِ وَ الْكَبِيرِ وَ عَلَى الْأَبْيَضِ وَ الْأَسْوَدِ وَ عَلَى كُلِّ مُوَحِّدٍ مَاضٍ حُكْمُهُ جَائِزٍ قَوْلُهُ نَافِذٍ أَمْرُهُ. مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ، مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ، مُؤْمِنٌ مَنْ صَدَّقَهُ فَقَدْ غَفَرَ اللهُ لَهُ وَ لِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَ أَطَاعَ لَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ آخِرُ مَقَامٍ أَقُومُهُ فِی هَذَا الْمَشْهَدِ فَاسْمَعُوا وَ أَطِيعُوا، وَ انْقَادُوا لِأَمْرِ رَبِّكُمْ، فَإِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَ إِلَهُكُمْ ثُمَّ مِنْ دُونِهِ رَسُولُكُمْ مُحَمَّدٌ وَلِيُّكُمْ، الْقَائِمُ الْمُخَاطِبُ لَكُمْ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِی عَلِیٌّ وَلِيُّكُمْ وَ إِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللهِ رَبِّكُمْ ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِی ذُرِّيَّتِی مِنْ وُلْدِهِ إِلَى يَوْمٍ تَلْقَوْنَ اللهَ عَزَّ اسْمُهُ وَ رَسُولَهُ.

ص:۲۶

---

۱- . مائده، ۶۷.

«ای پیغمبر! برسان آنچه از پروردگارت به تو نازل شده است که اگر عمل نکنی، رسالتش را ابلاغ نکرده ای؛ [پَروا مکن که] خدا تو را از شرّ مردم حفظ می کند.»

پس بدانید ای مردم! خداوند او را به سرپرستی و امامت شما منصوب کرده، [او] پیشوایی [است] که فرمانبرداری اش بر مهاجرین و انصار و تابعین(1)،

بر بیابانی و شهری، غیرعرب و عَرب، آزاد و بنده، کوچک و بزرگ و سفید و سیاه واجب و حتمی است و بر هر موّحدی، فرمانش جاری و گفتارش روا و بجا و امرش نافذ است.

هرکه با او مخالفت کند، مَلعون است و آن که پیروی اش کند، موردِرحمت الهی است. آن که تصدیقش کند، مؤمن است و سخن نیوش و طاعت پذیرِ او مشمولِ آمرزش خداوندی است.

ای گروه مردم! این آخرین نوبت است که در حضور انبوه شما به سخن برخاسته ام. به گفتارم گوش فرا داده و [آن را] بپذیرید و فرمان پروردگارتان را گردن نهید؛ چراکه خدای عزّوجل هَمو اختیاردار و معبود شماست، بعد از او پیامبرتان محمّد صلی الله علیه و آله وسلم ولیّ و سرپرست شماست، هموکه اینک با شما به سخن ایستاده است، آنگاه بعد از من به فرمان خدا، علی سرپرست و امام شماست؛ سپس امامت و رهبری تا ملاقات خدا و رسولش در رستاخیز، برای ذریّهٔ من از فرزندان اوست.



---

۱- . تابعین: افاضل مسلمین را در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم مصاحب رسول می نامیدند؛ زیرا فضیلتی برتر از این عنوان نبود و بدین سبب آن ها را «صَحابه» می گفتند. چون عصر دوم اسلام فرا رسید، آنان که صحبتِ صحابه حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم را درک کرده بودند، تابعین خوانده می شدند؛ نقل از: نفحات الانس، جامی، به نقل از لغت نامهٔ دهخدا.

لَا حَلَالَ إِلَّا مَا أَحَلَّهُ اللهُ وَ لَا حَرَامَ إِلَّا مَا حَرَّمَهُ اللهُ. عَرَّفَنِيَ [اللهُ] الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ، وَ أَنَا أَفْضَيْتُ بِمَا عَلَّمَنِي رَبِّي مِنْ كِتَابِهِ وَ حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ إِلَيْهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَ قَدْ أَحْصَاهُ اللهُ فِيَّ، وَ كُلُّ عِلْمٍ عُلِّمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا عَلَّمْتُهُ عَلِيّاً وَ هُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ لَا تَضِلُّوا عَنْهُ وَ لَا تَنْفِرُوا مِنْهُ، وَ لَا تَسْتَكْبِرُوا [وَ لَا تَسْتَنْكِفُوا] مِنْ وِلَايَتِهِ فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَ يَعْمَلُ بِهِ وَ يُزْهِقُ الْبَاطِلَ وَ يَنْهَى عَنْهُ وَ لَا تَأْخُذُهُ فِي اللهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ.

ثُمَّ إِنَّهُ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللهِ وَ رَسُولِهِ، وَ هُوَ الَّذِي فَدَى رَسُولَ اللهِ بِنَفْسِهِ وَ هُوَ الَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللهِ وَ لَا أَحَدَ يَعْبُدُ اللهَ مَعَ رَسُولِ اللهِ مِنَ الرِّجَالِ غَيْرُهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ فَضِّلُوهُ فَقَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ، وَ اقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللهِ، وَ لَنْ يَتُوبَ اللهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَايَتَهُ وَ لَنْ يَغْفِرَ اللهُ لَهُ، حَتْماً عَلَى اللهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ فِيهِ وَ أَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَاباً شَدِيداً نُكْراً أَبَدَ الْآبَادِ وَ دَهْرَ الدُّهُورِ.

جز آنچه خداوند حلال و حرام فرموده است، چیزی حلال و حرام نیست. خدا حلال و حرام را به من شناساند و من آنچه پروردگارم از حقایق قُرآن و حلال و حرام به من آموخت، به علی واگذار کردم.

ای مردم! هیچ علمی نیست؛ مگر اینکه خداوند در من فراهم آورده است و من همهٔ دانش هایم را در پیشوای متّقین گرد آورده و قرار دادم و دانشی نیست که به علی نیاموخته باشم و او امامی است که آن ها را برای شما بیان می کند.(۱)

م

ای مردم! از علی منحرف نشوید و از او کناره نگیرید و از ولایت و زعامت او سر باز نزنید؛ همانا او کسی است که به سوی حق راهبری کرده و به آن عمل می کند، باطل را در هم کوبیده و از آن نهی می کند و هیچ گاه سرزنشِ ملامتگری او را از راه خدا بازنمی دارد.

علاوه براین، علی اوّلین کسی است که به خداوند و رسولش ایمان آورد و خود را فدایی رسول خُدا کرد. او کسی است که با رسول خدا بود و هیچ مردی جز او با رسول خدا، خدا را عبادت نمی کرد.

ای مردم! او را برتر بدارید که خداوند او را برتری و فضیلت داده است. او را بپذیرید که خداوند او را نصب کرده است.

ای مردم! علی امامِ ازطرف خداست. خداوند هرگز توبهٔ منکر ولایت او را نپذیرد و هرگز او را نیامرزد. بر خداوند حَتم است که با مخالف فرمانش دراین باره بدین گونه عمل کرده و او را همواره و جاودان به عذاب سخت معذّب کند.



---

۱- . اشاره به یس، ۱۲: ]وَ کُلَّ أَحْصَیْنَاهُ فِی إِمَامٍ مُّبِینٍ[؛ (و همه چیز را در کتاب آشکارکننده ای برشمرده ایم!)

فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَصْلُوا نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَهُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ بِی وَ اللهِ بُشِّرَ الْأَوَّلُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ أَنَا خَاتَمُ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الْحُجَّهُ عَلَى جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضِينَ.

فَمَنْ شَكَّ فِی ذَلِكَ فَهُوَ كَافِرٌ كُفْرَ الْجَاهِلِيَّهِ الْأُولَى وَ مَنْ شَكَّ فِی شَیْ ءٍ مِنْ قَوْلِی هَذَا فَقَدْ شَكَّ فِی كُلٍّ مِنْهُ، وَ الشَّاكُّ فِی ذَلِكَ فَلَهُ النَّارُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ حَبَانِی اللهُ بِهَذِهِ الْفَضِيلَهِ مَنّاً مِنْهُ عَلَیَّ وَ إِحْسَاناً مِنْهُ إِلَیَّ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ مِنِّی أَبَدَ الْآبِدِينَ وَ دَهْرَ الدَّاهِرِينَ عَلَى كُلِّ حَالٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ فَضِّلُوا عَلِيّاً فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِی مِنْ ذَكَرٍ وَ أُنْثَى، مَا أَنْزَلَ اللهُ الرِّزْقَ وَ بَقِیَ الْخَلْقُ. مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ، مَغْضُوبٌ مَغْضُوبٌ مَنْ رَدَّ عَلَیَّ قَوْلِی هَذَا، وَ لَمْ يُوَافِقْهُ.

أَلَا إِنَّ جَبْرَئِيلَ خَبَّرَنِی عَنِ اللهِ تَعَالَى بِذَلِكَ وَ يَقُولُ مَنْ عَادَى عَلِيّاً وَ لَمْ يَتَوَلَّهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَتِی وَ غَضَبِی ]

بترسید از مخالفت [پروردگار] که به آتشی دچار خواهید شد که مایهٔ سوختش، مردم و سنگِ آتش افروز است که برای کفرپیشگان مهیّا شده است.

ای مردم! به خدا سوگند، همهٔ پیامبران و رسولان پیشین، به آمدن من بشارت داده اند و من خاتَم انبیا و آخرینِ رسولانم و حجّت بر همهٔ آفریدگان از آسمانیان و اهلِ زمین هستم.

آن که دراین باره شک کند، کافر است؛ [این کفر] مانند کفر زمانِ جاهلیّت نخستین [است] و آن که در چیزی از این سخنم تردید کند، چنان است که در تمام سخنم تردید کرده است وآن که در چنین مطلبی شک کند؛ سزاوار آتش است.

ای مردم! این فضیلتی است ازطرف خدا بر من و منّتی است که پروردگار بر من نهاده و احسانی است که او بر من کرده است و معبودی جز او نیست؛ ستایش و سپاسِ جاودانی من برای همیشهٔ روزگار و درهرحال، ویژهٔ اوست.

ای مردم! علی را مقدّم دارید و از خود برتر بدانید. همانا او بعد از من، شایسته ترین انسان از میان مردان و زنان است تا وقتی که خداوند رزق وروزی فرو می فرستد و هستی برجاست (یعنی تا پایان دنیا). ملعون است، ملعون است و مغضوب است، مغضوب است؛ کسی که این سخنم را رد کرده و با آن موافقت نکند.

بدانید! جبرئیل ازطرف پروردگارم مرا به این امر آگاه کرد و چنین می گوید: «هرکه با علی دشمنی ورزد و ولایتش را نپذیرد، لعنت و خشم من (خداوند) بر او باد.»

ص:۳۱

فَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ[(۱) وَ اتَّقُوا اللهَ أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا إِنَّ اللهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ جَنْبُ اللهِ الَّذِی ذَکَرَ فِی کِتَابِهِ، قَالَ تَعَالَی: ]أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتی عَلَی مَا فَرَّطْتُ فِی جَنْبِ اللهِ[.(۲)

مَعَاشِرَ النَّاسِ، تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَ افْهَمُوا آيَاتِهِ وَ انْظُرُوا إِلَی مُحْکَمَاتِهِ وَ لَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ،

متشابهاتش پیروی نکنید.

فَوَ اللهِ لَنْ يُبَيِّنَ لَکُمْ زَوَاجِرَهُ وَ لَا يُوَضِّحُ لَکُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِی أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ وَ مُصْعِدُهُ إِلَيَّ وَ شَائِلٌ بِعَضُدِهِ وَ مُعْلِمُکُمْ:

أَنَّ مَنْ کُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، وَ هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام أَخِی وَ وَصِيِّی، وَ مُوَالَاتُهُ مِنَ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ عَلِيّاً وَ الطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِی هُمُ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ، وَ الْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَکْبَرُ، فَکُلٌّ وَاحِدٍ مُنْبِئٌ عَنْ صَاحِبِهِ وَ مُوَافِقٌ لَهُ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّی يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ. هُمْ أُمَنَاءُ اللهِ فِی خَلْقِهِ وَ حُکَمَاؤُهُ فِی أَرْضِهِ.



---

۱- . حشر، ۱۸.

۲- . زمر، ۵۶.

«هرکس بایـد بیَندیشـد که برای فردای خود چه پیش فرسـتاده است» و بپرهیزید از مخالفت امرِ خدا. چه بسا قَدم ها که پس از استواری بلَغزد و به خطا روَد؛ همانا خداوند به آنچه عمل می کنید، آگاه است.

ای مردم! علی، همان «جَنبُ الله» است که [خداونـد] در کتابش ذکر فرموده است. خـدای تعالی گفت: «[در آن روز] هرکسـی می گوید: 'ای اندوها و دریغا بر آنچه در جَنبِ خدا از دست دادم.»

ای مردم! در قرآن ژرف اندیشی کنید و آیاتش را بفهمید؛ در محکماتش نیک بنگرید و از

سوگند به خدا، هرگز کسـی برایتان نواهی و مُحرّمات قرآن را روشن نکند و تفسیرِ آیاتش را برای شما آشکار نکند؛ مگر این کسی که من دستش را گرفته و به طرف خود بالا آورده و اینک بازویش را بلند کرده ام و اعلام می کنم:

هرکه من مولاـ و صاحب اختیار او هسـتم؛ این علی مولا و اختیاردارِ اوست. او، علی پسـر ابی طالب، برادر و وصـیّ من است و [کسی است که] توصیهٔ دوستی و یاری اش را خدای عزّوجل بر من نازل کرده است.

ای مردم! علی و پاکان از فرزنـدان من، همانان ثقل(۱) کوچـک تر هسـتند و قرآن، ثقل بزرگ تر و هریک از این دو، خبر از قرین و همتـایش می دهـد و موافق آن است؛(۲) این دو، هرگز جـدا نشونـد تـا در کنار حوض (در بهشت) بر من وارد شونـد. اینان امینِ خداوند در بین مردم و حکیمان الهی در زمین اند.

ص:۳۳

---

۱- . ثَقَل: هر شـیء نفیسِ محفوظ. و بـه همیـن معنـاست «انّی تـارک فیکم الثَقَلین، القرآن و عـترتی». (اقرب المـوارد: ثقـل). توضیح بیشتر را در کتابچه حدیث الثَقَلین ص ۴۱ توان دید.

۲- . یعنی قرآن، عترت را توصیف می کند و عترت، قرآن را تفسیر می کند.

أَلَا وَ قَدْ بَلَّغْتُ، أَلَا وَ قَدْ أَدَّيْتُ، أَلَا وَ قَدْ أَسْمَعْتُ، أَلَا وَ قَدْ أَوْضَحْتُ. أَلَا وَ إِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ وَ أَنَا قُلْتُ عَنِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ

أَلَا إِنَّهُ لَيْسَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرَ أَخِي هَذَا وَ لَا تَحِلُّ إِمْرَةُ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَحَدٍ غَيْرِهِ.

ثُمَّ ضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى عَضُدِهِ فَرَفَعَهُ وَ كَانَ مُنْذُ أَوَّلِ مَا صَعِدَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله وسلم [عَلَى دَرَجَةٍ دُونَ مَقَامِهِ، فَبَسَطَ يَدَهُ نَحْوَ وَجْهِ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله وسلم وَ] شَالَ عَلِيّاً علیه السلام حَتَّى صَارَتْ رِجْلُهُ مَعَ رُكْبَةِ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله وسلم ، ثُمَّ قَالَ:

مَعَاشِرَ النَّاسِ هَذَا عَلِيٌّ أَخِي وَ وَصِيِّي وَ وَاعِي عِلْمِي وَ خَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي وَ عَلَى تَفْسِيرِ كِتَابِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الدَّاعِي إِلَيْهِ وَ الْعَامِلُ بِمَا يَرْضَاهُ وَ الْمُحَارِبُ لِأَعْدَآئِهِ وَ الْمُوَالِي عَلَى طَاعَتِهِ وَ النَّاهِي عَنْ مَعْصِيَتِهِ.

خَلِيفَهُ رَسُولِ اللهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْإِمَامُ الْهَادِي وَ قَاتِلُ النَّاكِثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ.

بِأَمْرِ اللهِ أَقُولُ ]مَا يُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ[(۱) بِأَمْرِ رَبِّي أَقُولُ:



---

۱- . ق، ۲۹.

آگاه شوید که [امر الهی را] ابلاغ کردم، بدانید که ادای وظیفه کردم. هان که پیام را به سمعتان رساندم متوجّه باشید که امر الهی را واضح کردم! بدانید که خدای عزّوجلّ فرمود و من ازطرف او می گویم:

هان! که امیرالمؤمنین جز همین برادرم نیست و زمامداری و امارت بر مؤمنان بعد از من، برای اَحَدی جز او روا و جایز نیست.

از اوّلی که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بر منبر خطابه بالا رفت، علی علیه السلام یک پلّه پایین تر از جایگاه آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم قرار داشت. [سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم که به اینجا رسید،] با دست خود به بازوی او (علی علیه السلام ) زد. او (علی علیه السلام ) هم دست خود را به طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم دراز کرد؛ سپس پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم [با دست پُرتوان خویش] بازوی علی علیه السلام را گرفته و بلند کرد، به حدّی که قدم هایش برابر زانوی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم قرار گرفت؛(۱) آنگاه فرمود:

ای مردم! این علی، برادر و وصیّ و خزانهٔ دانش من و در رهبریِ امّت و تفسیر کتاب خدای عزّوجل، جانشین من است.

این علی، مردم را به خدا می خواند و به آنچه موردِرضایت اوست، عمل می کند و با دشمنانش می ستیزد؛ یاری کننده بر طاعت خدا و بازدارنده از معصیتِ اوست.

جانشینِ رسول خدا و امیر مؤمنان و پیشوای هدایت کننده است. هَمو، کُشندهٔ عهدشکنان و جورپیشگان و ازدین بیرون رفتگان است.

به فرمان خدا می گویم و سخن من تغییرناپذیر است؛ زیرا به فرمان پروردگارم می گویم:



---

۱- . این قسمت، جزوِ اصلیِ خطابهٔ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نیست؛ در اینجا، راویِ خطبه کیفیّت قرارگرفتن امام علی علیه السلام و بلندکردنش را با دست رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم شرح داده است.

أَللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ الْعَنْ مَنْ أَنْكَرَهُ وَ اغْضَبْ عَلَى مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ.

أَللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ عَلَيَّ أَنَّ الْإِمَامَهَ بَعْدِی لِعَلِیٍّ وَلِیِّکَ عِنْدَ تِبْیَانِی ذَلِکَ وَ نَصْبِی إِیَّاهُ بِمَا أَکْمَلْتَ لِعِبَادِکَ مِنْ دِینِهِمْ وَ أَتْمَمْتَ عَلَیْهِمْ نِعْمَتَکَ وَ رَضِیتَ لَهُمُ الْإِسْلَامَ دِیناً، فَقُلْتَ:

]وَ مَنْ یَبْتَغِ غَیْرَ الْإِسْلَامِ دِیناً فَلَنْ یُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِی الْآخِرَهِ مِنَ الْخَاسِرِینَ[(۱)

أَللَّهُمَّ إِنِّی أُشْهِدُکَ وَ کَفَی بِکَ شَهِیداً أَنِّی قَدْ بَلَّغْتُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّمَا أَکْمَلَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ دِینَکُمْ بِإِمَامَتِهِ، فَمَنْ لَمْ یَأْتَمَّ بِهِ وَ بِمَنْ یَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِی مِنْ صُلْبِهِ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ وَ الْعَرْضِ عَلَی اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَأُولَئِکَ الَّذِینَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَ فِی النَّارِ هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ، ]لَا یُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَ لَا هُمْ یُنْظَرُونَ[(۲)

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلِیٌّ أَنْصَرُکُمْ لِی وَ أَحَقُّکُمْ بِی وَ أَقْرَبُکُمْ إِلَیَّ وَ أَعَزُّکُمْ عَلَیَّ وَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَنَا عَنْهُ رَاضِیَانِ



---

۱- . آل عمران، ۸۵.

۲- . بقره، ۱۶۲.

خداونـدا! هرکه علی را دوست بـدارد، او را دوست بدار و هرکه با او عداوت ورزد، دشـمن دار. لعن فرما؛ هرکه علی را انکار کند و غضب فرما بر کسی که حق مسلَّمِ علی را نادیده بگیرد.

پروردگارا! بر من نازل فرمودی که امامت و پیشوایی بعـد از من، مختَصِّ وَلیِّ تو علی است. در آن هنگام که این حکم را بیان و علی را [ازطرف تو] به این مقـام منصوب کردم؛ مقامی که به آن، دین بنـدگانت را کمال بخشـیدی و نعمتت را بر آنان تمام نمودی و خُشنود شدی که اسلام دینشان باشد، پس فرمودی: «هرکه غیر از اسلام دینی را برگزیند، از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیانکاران است.»

خداوندا! تو را گواه می گیرم و شهادت تو کافی است که [امر تو را ابلاغ کرده و] به بند گانت رسانیدم.

ای مردم! خدا که عزتمند و بزرگ است، با امامتِ او دین شـما را کمال بخشـید؛ آنان که سرِ اطاعت در پیشـگاهِ امامتِ او فرو نیاورنـد، و امامت فرزندانم از نسل او (نسل علی علیه السـلام ) را تا روز قیامت و رسـیدن به پیشـگاه خدا نپذیرد، اعمالشان تباه شده و در آتش جاودان بماند؛ «[چنین افرادی] نه در عذابشان تخفیف داده می شود و نه مهلتی خواهند داشت!»(1)

ای مردم! این علی بیش از همهٔ شما مرا نصرت و یاری داده است و سزاوارترین و نزدیک ترینِ شما به من است. علی از همگیِ شما در نزد من ارجمندتر است. من و خدای عزّوجل از او راضی هستیم.



---

۱- .بقره، ۱۶۲.

وَ مَا نَزَلَتْ آیَهُ رِضًی إِلَّا فِیهِ، وَ مَا خَاطَبَ اللهُ الَّذِینَ آمَنُوا إِلَّا بَدَأَ بِهِ، وَ لَا نَزَلَتْ آیَهُ مَدْحٍ فِی الْقُرْآنِ إِلَّا فِیهِ، وَ لَا شَهِدَ اللهُ بِالْجَنَّهِ فِی ]هَلْ أَتی عَلَی الْإِنْسانِ[(۱) إِلَّا لَهُ، وَ لَا أَنْزَلَهَا فِی سِوَاهُ، وَ لَا مَدَحَ بِهَا غَیْرَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هُوَ نَاصِرُ دِینِ اللهِ وَ الْمُجَادِلُ عَنْ رَسُولِ اللهِ وَ هُوَ التَّقِیُّ النَّقِیُّ الْهَادِی الْمَهْدِیُّ نَبِیُّکُمْ خَیْرُ نَبِیٍّ وَ وَصِیُّکُمْ خَیْرُ وَصِیٍّ وَ بَنُوهُ خَیْرُ الْأَوْصِیَاءِ مَعَاشِرَ النَّاسِ ذُرِّیَّهُ کُلِّ نَبِیٍّ مِنْ صُلْبِهِ وَ ذُرِّیَّتِی مِنْ صُلْبِ عَلِیٍّ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ إِبْلِیسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّهِ بِالْحَسَدِ فَلَا تَحْسُدُوهُ فَتَحْبَطَ أَعْمَالُکُم وَ تَزِلَّ أَقْدَامُکُمْ فَإِنَّ آدَمَ أُهْبِطَ إِلَی الْأَرْضِ لِخَطِیئَهٍ وَاحِدَهٍ وَ هُوَ صَفْوَهُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَکَیْفَ بِکُمْ وَ أَنْتُم أَنْتُمْ وَ مِنْکُمْ أَعْدَاءُ اللهِ، أَلَآ إِنَّهُ لَا یُبْغِضُ عَلِیّاً إِلَّا شَقِیٌّ وَ لَا یَتَوَالَی عَلِیّاً إِلَّا تَقِیٌّ، وَ لَا یُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ.



---

۱- . اشاره به سورهٔ مبارکهٔ انسان (دهر) که هفتادوششمین سورهٔ قرآن مجید است.

آیه ای متضمّن خُشنودی پروردگار نازل نشد؛ مگر اینکه علی در آن است و هرکجای قرآن که مؤمنان طرفِ خطابِ خدا قرار گرفته اند، نخستین مخاطبْ اوست.

آیهٔ مدحی در قرآن فرو نیامد؛ مگر اینکه علی در آن است. گواهی ای که خدا در سورهٔ «هَلْ أَتَی عَلَی الْإِنْسَانِ» دربارهٔ رفتن به بهشت داده است، ویژهٔ اوست و آن سوره را در شأن غیر او نازل نفرموده است و در آن، کسی جز او موردِستایش قرار نگرفته است.

ای مردم! علی، یاور دین خدا و مُدافع حریم رسول خداست. او باتقوایِ پاک نهاد و راهنمایی راه یافته است. پیامبرتان بهترینِ انبیا و وصیِّ شما، بهترینِ أوصیاست و پسرانش بهترین جانشینان هستند.

ای مردم! فرزندان هر پیامبری از پشتِ خودِ اوست و ذرّیهٔ من از نسل علی است.

ای مردم! ابلیس آدم را به حسد از بهشت بیرون کرد؛ به او (امام علی علیه السلام ) حسد نَورزید که اعمالتان تباه می شود و قدم هایتان بلغزد. همانا آدم باآنکه برگزیدهٔ خدا بود، با یک خطا به زمین فرو افتاد؛ پس وضع شما چگونه خواهد بود و حال آنکه شما [انسان ها،] افرادی عادی هستید که بعضی تان دشمن خدایید.

بدانید که با علی دشمنی نورزد؛ مگر بخت برگشته و به علی مهر نوَرزد؛ مگر پارسایِ خویشتن دار و به او ایمان نیاوَرد؛ مگر مؤمنِ بااخلاص.

ص:۳۹

وَ فِی عَلِیٍّ وَ اللهِ نَزَلَتْ سُورَهُ الْعَصْرِ:

]بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ، وَ الْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِی خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ و تَوَاصَوْا بِالْصَّبْرِ[

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قَدِ اسْتَشْهَدْتُ اللهَ وَ بَلَّغْتُکُمْ رِسَالَتِی ]وَ مَا عَلَی الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِینُ[(۱)

مَعَاشِرَ النَّاسِ]اتَّقُوا اللهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ[(۲)

مَعَاشِرَ النَّاسِ آمِنُوا بِاللهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِی أُنْزِلَ مَعَهُ(۳) ]مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهاً فَنَرُدَّهَا عَلَی أَدْبَارِهَا[(۴)

مَعَاشِرَ النَّاسِ، النُّورُ مِنَ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِیَّ مَسْلُوکٌ ثُمَّ فِی عَلِیٍّ ثُمَّ فِی النَّسْلِ مِنْهُ إِلَی الْقَائِمِ الْمَهْدِیِّ الَّذِی یَأْخُذُ بِحَقِّ اللهِ وَ بِکُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا لِأَنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ جَعَلَنَا حُجَّهً عَلَی الْمُقَصِّرِینَ وَ الْمُعَانِدِینَ وَ الْمُخَالِفِینَ وَ الْخَائِنِینَ وَ الْآثِمِینَ وَ الظَّالِمِینَ وَ الغَاصِبِینَ مِنْ جَمِیعِ الْعَالَمِینَ.



---

۱- . نور، ۵۴.

۲- . آل عمران، ۱۰۲.

۳- . اقتباس از جزء آخر آیهٔ ۱۵۷ سورهٔ مبارکهٔ اعراف.

۴- . نساء، ۴۷: شاید کنایه از تغییر خصایص مردمی در منکران حق و کفرپیشگان باشد.

سورهٔ عصـر در شأن علی نزول یافته است: «به نام خدای بخشایشگر مهربان. سوگند به عصر [نورانیِ رسول یا دوران ظهور ولیِّ عصـر علیه السـلام ] که انسان همه در زیان و کاستی است؛ مگر کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند و یکدیگر را به حق سفارش کرده و همدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه کرده اند.»

ای مردم! خدا را شاهد گرفتم و رسالتم را به شما ابلاغ کردم «و بر رسول جز رسانیدن آشکار پیام نیست.»

ای مردم! از خـدای بزرگ پروا کنیـد؛ آن گونه که شایسـتهٔ پرهیز از خـداست «و مراقب باشـید که جز درحـال مسـلمانی، جان نسپارید!»

ای مردم! به خدا و رسولش و نوری (قرآنی) که با او فرود آمد، ایمان آورید(۱)،

«پیش از آنکه صورت هایی را [به واسطهٔ گمراهی و تباهی] محو کنیم؛ سپس به پشت سر برگردانیم.»(۲)

ای مردم! «آن نـور، ازسـوی خـدا در من نهـاده شـده است و بعـد از من، در علی علیه السـلام است؛ سـپس در نسـل او تـا قـائم مهـدی(عج)؛ [او] آن [است] که (با قیام فراگیرش) حق خدا و تمام حقوقِ ما را باز می سـتاند. همانا خدای عزّ و جل، بر جمیع کوتـاهی کننـدگان (در حق ما) و دشـمنان و مخالفان و خیانت پیشـگان و گناهکاران و سـتمگران و غاصـبان از جهانیان، ما را حجت قرار داده است.

ص:۴۱

---

۱- . اقتباس از قسمت آخر آیهٔ ۱۵۷ سورهٔ مبارکهٔ اعراف.

۲- . این آیه دربارهٔ جزای یهود لجباز و منکر حق است. بنا بر حدیثی از امام باقر علیه السـلام منظورش محوکردن صورت های آن هـا از راه هـدایت و برگردانـدن به عقب و قرارگرفتن در مسـیر گمراهی است. نک: تفسـیر نمونه، ج۳، ص۴۴۷؛ به نقل از قرآن حکیم.

مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنْـذِرُكُمْ أَنِّی رَسُولُ اللهِ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِیَ الرُّسُـلُ أَ فَإِنْ مِتُّ أَوْ قُتِلْتُ انْقَلَبْتُمْ عَلى أَعْقَابِکَمْ ]وَ مَنْ یَنْقَلِبْ عَلى عَقِبَیْهِ فَلَنْ یَضُرَّ اللهَ شَیْئاً وَ سَیَجْزِی اللهُ الشَّاکِرِینَ[(۱)

أَلَآ وَ إِنَّ عَلِیّاً هُوَ الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَ الشُّکْرِ ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وُلْدِی مِنْ صُلْبِهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، لَا تَمُنُّوا عَلَى اللهِ إِسْلَامَکُمْ فَیَسْخَطَ عَلَیْکُمْ، وَ یُصِیبَکُمْ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ إِنَّهُ لَبِالْمِرْصَادِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ سَیَکُونُ مِنْ بَعْدِی أَئِمَّهٌ یَدْعُونَ إِلَى النَّار وَ یَوْمَ الْقِیَامَهِ لَا یُنْصَرُونَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ اللهَ وَ أَنَا بَرِیئَآنِ مِنْهُمْ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُمْ وَ أَنْصارَهُمْ وَ أَتْبَاعَهُمْ وَ أَشْیَاعَهُمْ فِی الدَّرْکِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ ]وَ لَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَکَبِّرِینَ[(۲)

أَلَا إِنَّهُمْ أَصْحَابُ الصَّحِیفَهِ فَلْیَنْظُرْ أَحَدُکُمْ فِی صَحِیفَتِهِ (قَالَ فَذَهَبَ عَلَى النَّاسِ إِلَّا شِرْذِمَهٌ مِنْهُمْ أَمْرُ الصَّحِیفَهِ).(۳)



---

۱- . برگرفته از آل عمران، ۱۴۴، با اندکی تفاوت.

۲- . نحل، ۲۹.

۳- این قسمت جزء خطبهٔ رسول اکرم؟صل؟ نیست و در واقع توضیح راوی است.

ای مردم! شما را بیم و آگاهی می دهم که من فرستادهٔ خدایم که پیش از من فرستادگان الهی بودند. اگر من بمیرم یا کُشته شوم، شما به عقب برمی گردید؟! «آن که به روزگار کفر و جاهلیت برگردد، به خدا هیچ زیانی نرساند و به زودی خداوند شاکران را پاداش می دهد!»(۱)

بدانید که علی همان کسی است که به صبر و شکر وصف شده است و بعد از او فرزندانم که از پشت اویَند، چنین هستند.

ای مردم! به واسطهٔ قبول اسلام بر خدا منّت ننهید که بر شما خشم گیرد و به عذابش دچار شوید؛ که همانا او مراقب رفتارتان هست.

ای مردم! به زودی پس از من پیشوایانی پیدا شوند که شما را فرا خوانند و روزِ رستاخیز یاری نشوند. ای مردم! یقیناً خداوند و من از آنان نفرت داشته و بیزاریم.

ای مردم! این پیشوایان و یاران و پیروان و تابعانشان در پست ترین طبقات دوزخ اند «و چه بد جایگاهی برای متکبّران است.»

بهوش باشید! اینان اصحاب صحیفه اند؛(۲) باید فردفردِ شما در کارنامهٔ عمل خود بنگرد

[راوی گفت: موضوع صحیفه را مردم درنیافتند؛ مگر عدهٔ اندکی که به یاد داشتند]

ص:۴۳

---

۱- . برگرفته از آل عمران، ۱۴۴، با اندکی تفاوت.

۲- . اصحاب صحیفه: گروهی از مَلأ و اعیانِ صحابه اند که قراردادی تنظیم کردند و هم پیمان شدند که اعلام کنند پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بعد از خود جانشین تعیین نکرده است و حضرت علی علیه السلام ، خلیفهٔ بعد از ایشان نیست. سعیدبن العاص الأموی این صحیفه را نوشت و به امانت نزد ابوعبیده سپردند. (تلخیص از سفینهٔ بحارالأنوار: صَحف). اینان ظاهراً همان ۱۲ تن از منافقان هستند که در بازگشت از غزوهٔ تبوک، قصد جان رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم را کردند؛ ولی پیکِ الهی پیامبر را از نیّت سوء آن ها باخبر و توطئه شان را خنثی کرد. نک: بحارالأنوار، ج۲۱، ص۱۹۶.

مَعاشِرَ النَّاسِ، إِنِّی أَدَعُهَا إِمَامَةً وَ وِرَاثَةً فِی عَقِبِی إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ، وَ قَدْ بَلَّغْتُ مَا أُمِرْتُ بِتَبْلِیغِهِ حُجَّةً عَلَی کُلِّ حَاضِرٍ وَ غَائِبٍ وَ عَلَی کُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ یَشْهَدْ، وُلِدَ أَوْ لَمْ یُولَدْ فَلْیُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ، وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ وَ سَیَجْعَلُونَهَا مُلْکاً وَ اغْتِصَاباً.

أَلَا لَعَنَ اللهُ الْغَاصِبِینَ وَ الْمُغْتَصِبِینَ، وَ عِنْدَهَا ]سَنَفْرُغُ لَکُمْ أَیُّهَ الثَّقَلَانِ[(۱)

وَ )یُرْسَلُ عَلَیْکُمَا شُوَاظٌ مِنْ نَارٍ وَ نُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ(.(۲)

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ یَکُنْ یَذَرُکُمْ «عَلَی مَا أَنْتُمْ عَلَیْهِ حَتَّی یَمِیزَ الْخَبِیثَ مِنَ الطَّیِّبِ وَ مَا کَانَ اللهُ لِیُطْلِعَکُمْ عَلَی الْغَیْبِ».(۳)

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ مَا مِنْ قَرْیَهٍ إِلَّا وَ اللهُ مُهْلِکُهَا بِتَکْذِیبِهَا وَ کَذَلِکَ یُهْلِکُ الْقُرَی وَ هِیَ ظَالِمَهٌ کَمَا ذَکَرَ اللهُ تَعَالَی(۴)

وَ هَذَا عَلِیٌّ إِمَامُکُمْ وَ وَلِیُّکُمْ وَ هُوَ مَوَاعِیدُ اللهِ وَ اللهُ یُصَدِّقُ مَا وَعَدَهُ[Z۱] .



---

۱- الرحمن، ۳۱ .

۲- . الرحمن، ۳۵.

۳- . اقتباس از آل عمران، ۱۷۹.

۴- . اشاره به آیاتی مانند: انعام، ۱۳۱ و هود، ۱۱۷.

ای مردم! من خلافت را به صورت امامت و ارث بردن در فرزنـدانم، تا روز قیامت، به جا می گـذارم؛ همانا که آنچه مأمور به تبلیغ آن بودم، رسانیـدم تا بر هر حاضـر و غایب و هرکه شاهـد و حاضـر است یا نیست و زاده شده یا هنوز به دنیا نیامده است، حجّت و دلیـل تمام باشـد. پس بایسـته و لازم است هرکه حاضـر است، پیام را به غایبان برسانـد؛ همچنین تا روز رسـتاخیز، هر پدری باید [این پیام را] به فرزندش ابلاغ کند. به زودی این مقام خلافت را غصب کرده و به پادشاهی تبدیل خواهند کرد.

هان! لعنت خـدا بر غصب کننـدگان و تعـدّی کننـدگان باد. در این هنگام «ای گروه انس و جن! به زودی به حساب کار شـما خواهیم پرداخت»«و شعله هایی از آتش بی دود و دودهای متراکم بر شما فرستاده می شود و نمی توانید از کسی یاری بطلبید.»

ای مردم! «خدای عزّ و جل شما را به حال خود رها نمی کند؛ مگر آنکه ناپاک را از پاک جدا سازد و چنین نیست که خداوند شما را از غیب با خبر کند.»(۱)

ای مردم! خـدا اهلِ هیـچ قریه ای را هلاک نکرد؛ مگر به سـبب اینکه آیات الهی را تکذیب و انکار کردند و این سـنّتِ جاریِ خداوندی است که هر جمعیتِ ظالمی را نابود می کند. همچنان که خداوند در کتابش فرموده است.(۲)

این علی، امام و صاحب اختیار شماست و او وعده های الهی است و خداوند آنچه را وعده کرده است، راست می گرداند.



---

۱- . اقتباس از آل عمران، ۱۷۹.

۲- . اشاره به آیاتی مانند: انعام، ۱۳۱ و هود، ۱۱۷.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قَدْ ضَلَّ قَبْلَكُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ، وَ اللهُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْأَوَّلِينَ وَ هُوَ مُهْلِكُ الْآخِرِينَ قَالَ اللهُ تَعَالَى: )أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ. ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ الْآخِرِينَ كَذٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ((۱)

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللهَ قَدْ أَمَرَنِی وَ نَهَانِی وَ قَدْ أَمَرْتُ عَلِيّاً وَ نَهَيْتُهُ، فَعَلِمَ الْأَمْرَ وَ النَّهْیَ مِنْ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسْلَمُوا، وَ أَطِيعُوا تَهْتَدُوا وَ انْتَهُوا لِنَهْيِهِ تَرْشُدُوا، وَ صَيِّرُوا إِلَى مُرَادِهِ، وَ لَا تَتَفَرَّقْ بِكُمُ السُّبُلُ عَنْ سَبِيلِهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنَا صِرَاطُ اللهِ الْمُسْتَقِيمُ الَّذِی أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ ثُمَّ عَلِيٌّ مِنْ بَعْدِی ثُمَّ وُلْدِی مِنْ صُلْبِهِ أَئِمَّةٌ يَهْدُونَ إِلَى الْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ.

(ثُمَّ قَرَأَ سُورَةَ الْحَمْدِ)، وَ قَالَ فِيَّ نَزَلَتْ وَ فِيهِمْ نَزَلَتْ، وَ لَهُمْ عَمَّتْ، وَ إِيَّاهُمْ خُصَّتْ، أُولَئِكَ )أَوْلِيَاءُ اللهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ((۲) أَلَا )إِنَّ حِزْبَ اللهِ هُمُ الْغَالِبُونَ((۳) أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَ عَلِيٍّ هُمْ أَهْلُ الشِّقَاقِ وَ النِّفَاقِ وَ الْحَادُّونَ وَ هُمُ الْعَادُّونَ وَ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ الَّذِينَ )يُوحِی بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُوراً((۴)



---

۱- . مرسلات، ۱۶تا۱۹.

۲- . یونس، ۶۲.

۳- . مائده، ۵۶.

۴- . انعام، ۱۱۲.

ای مردم! قبل از شما بیشتر پیشینیان گمراه شدند و خداوند گذشتگان را تباه ساخت و همان خدا هلاک کنندهٔ آیندگان [گمراه] است.

[Z۱]ترجمه؟

خدای تعالی فرمود: «آیا ما اقوام [مجرم] نخستین را هلاک نکردیم؟ سپس دیگران (دیگر مجرمان) را به دنبال آن ها می فرستیم. [آری] این گونه با مجرمان رفتار می کنیم. وای در آن روز بر تکذیب کنندگان!»

ای مردم! خداوند به من [واجبات را] اَمر و [از محرمات] نهی فرمود و من نیز [آن ها را] به علی اَمرونهی کردم؛ بدین ترتیب، علی به اَمرونهیِ پروردگارش دانا شد. اینک فرمانش را بشنوید تا در امان باشید و اطاعتش کنید تا هدایت یابید. نهی او را بپذیرید تا راه راست را باز یابید. به سمت مراد و مقصود او جهت گیرید تا دیگرراه ها شما را از راهش منحرف نکند.

ای مردم! من آن صراط مستقیم خدایم که امر کرده است از آن پیروی کنید. بعد از من، علی چنین است؛ سپس فرزندانم از نسل او؛ همان پیشوایانی که به سوی حق هدایت می کنند و بحق داوری می کنند. آنگاه [حضرت صلی الله علیه و آله وسلم ] سورهٔ حمد را قرائت کرد و گفت:

این سوره در شأن من و این امامان نازل شده است و آنان را در بر می گیرد و ویژهٔ ایشان است.

اینان «اولیای خدایند که هیچ بیمی بر آنان نیست و نه اندوهگین شوند.» هان که «حزب خدا همان رستگاران و چیره شوندگان هستند!»

بدانید که دشمنانِ علی، همان تفرقه افکنان و منافقان و ستیزه جویان هستند و همانان دشمنان حق و برادران شیطان اند که «بعضی از آنان، سخنان ظاهرآراستهٔ فریبا را به بعضی دیگر القا می کنند.»

ص:۴۷

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمْ هُمُ الْمُؤمِنِينَ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللهُ فِي كِتَابِهِ، فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ: )لَا تَجِدُ قَوْماً يُؤْمِنُونَ بِاللهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَوْ كَانُوا آبَائَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ، أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَ أَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَ يُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ((۱)

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالَ:

)الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ((۲)

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ آمِنِينَ وَ تَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ بِالتَّسْلِيمِ أَنْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ.(۳)

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ.(۴)

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمْ يَصْلَوْنَ سَعِيراً.

ص:۴۸

---

۱- . مجادله، ۲۲.

۲- . انعام، ۸۲.

۳- . تضمین بخشی از آیهٔ ۷۳ سورهٔ مبارکهٔ زمر.

۴- . اقتباس از آیهٔ ۴۰ سورهٔ مبارکهٔ غافر.

بدانیـد که دوسـتان علی و فرزنـدان او، آن دسـته مؤمنـانی هسـتند که خداونـد در قرآن آنان را یاد کرده و درباره شان فرموده است: «هرگز مردمی که ایمان به خداونـد و روز رسـتاخیز آورده انـد، چنین نخواهی یافت که با دشـمنان خدا و رسول دوستی کننـد؛ هرچند آن دشـمنان، پدران یا فرزندان و برادران و خویشان آن ها باشـند. آنان کسانی هسـتند که خدا بر دل هاشان نور ایمان نگاشته و با روحی از

خودش، آن هـا را تأییـد کرده و [در قیامت] به بهشتی داخل کنـد که نهرهای [مصـفّا] زیر درختانش جاری است و جاودان در آن مُتَنَعِم انـد. خـدا از آن هـا خشـنود و آنـان نیز از خـدا خشـنودند. آن ها [به حقیقت] حزب خداینـد؛ بدانیـد که حزب خـدا رستگاران هستند.»

متوجّه باشید که دوستان آنان کسانی هستند که خداوند در قرآن این گونه توصیفشان کرده است:

«آنان که به خـدا ایمان آورده و ایمان خود را به شـرک و سـتم نیالودند، ایمنی آن ها راست و آن ها هدایت یافتگان هسـتند.» بدانیـد دوسـتانشان کسـانی هسـتند که بـا امن و آرامش در بهشت وارد می شونـد «و ملائـکه در پیشوازشان سـلام کرده و می گویند: 'خوشا به حال شما، برای همیشه در بهشت جای می گزینید.»(۱)

بدانیـد همانـا دوسـتانِ آنان کسانی هسـتند که خداونـد عزّ و جل در وصـفشان می فرمایـد: «بـدونِ حساب به بهشت داخل می شوند.»(۲)

بدانید که به راستی دشمنانشان در آتشِ افروختهٔ دوزخ وارد می شوند.



---

۱- . تضمین بخشی از آیهٔ ۷۳ سورهٔ مبارکهٔ زمر.

۲- . اقتباس از آیهٔ ۴۰ سورهٔ مبارکهٔ غافر.

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ لِجَهَنَّمَ شَهِيقاً وَ هِيَ تَفُورُ وَ لَهَا زَفِيرٌ(۱)

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللهُ فِيهِمْ: )كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا((۲)

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «كُلَّمَآ أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ قَالُوا بَلَى قَدْ جَآءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَ قُلْنَا مَا نَزَّلَ اللهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ، وَ قَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ فَاعْتَرَفُوا بِذَنْبِهِم فَسُحْقاً لِّأَصْحَابِ السَّعِيرِ».(۳)

َلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ )الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَ أَجْرٌ كَبِيرٌ((۴)

مَعَاشِرَ النَّاسِ شَتَّانَ مَا بَيْنَ الْجَنَّهِ وَ السَّعِيرِ فَعَدُوُّنَا مَنْ ذَمَّهُ اللهُ وَ لَعَنَهُ، وَ وَلِيُّنَا مَنْ مَدَحَهُ اللهُ وَ أَحَبَّهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَآ وَ إِنِّي مُنْذِرٌ وَ عَلِيٌّ هَادٍ.

ص:۵۰

---

۱- . اقتباس از آیهٔ ۷ سورهٔ مبارکهٔ مُلک.

۲- . اعراف، ۳۸.

۳- . مُلک، ۸تا۱۱.

۴- . مُلک، ۸تا ۱۱ .

بدانید دشمنان ایشان آن ها هستند که از جهنّم صدایی هولناك و زشت شنوَند؛ درحالی که آتش فَوَران می کند و ناله ای زار دارد.(۱)

بدانید دشـمنان آنان کسانی هستند که خدا درباره شان فرموده است: «هنگام ورود به جهنّم، هر گروهی همتای خود را لعنت و نفرین می کند.»

بدانیـد دشـمنان این خـانواده آن هـا هسـتند که خداونـد فرموده است: «هر گروهی را که به آتش در افکننـد، عـذاب سـازان و نگهبانان دوزخ از ایشان پرسـند: 'آیا برای شـما ترساننده و آگاه کننده نیامد؟ گویند: 'آری، بیم دهنده ای آمد؛ امّا او را دروغ گو پنـداشتیم و گفتیم: خـدا چیزی نفرسـتاده، جز این نیست که شـما سـخت در گمراهی هستید. [اهلِ دوزخ با تأسف] گویند: 'اگر ما سـخن پیامبران را شـنیده یا به دسـتور عقل رفتار می کردیم، امروز از دوزخیان نبودیم! آنگاه به گناهشان اعتراف کنند [که سودی ندارد و خطاب قهر رسد] که اهلِ آتش را [از رحمت حق] دوری باد.»

بهوش باشید! دوستان این خانواده، «آن ها هستند که از پروردگارشان در پنهان می ترسند [و در باطن، خداترس اند؛ نه با نفاق و در ظاهر]. برای آن ها آمرزش و پاداشی بزرگ [و بهشت ابد] خواهد بود.»

ای مردم! چه بسـیار فرق است بین بهشت و دوزخ [سوزانِ عـذاب دهنـده]. دشـمن ما کسـی است که خداونـد او را نکوهش و لعنت کرده است و دوست ما کسی است که پروردگار، او را ستوده است و دوست می دارد.

ای مردم! بدانید من بیم دهنده ام و علی، هادی و رهنماست.(۲)

ص:۵۱

---

۱- . مُلک، ۷.

۲- . در قرآن کریم (رعد، ۷) آمده است: )إِنَّما اَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَاد(.

أمَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّی نَبِیٌّ وَ عَلِیٌّ وَصِیِّی، أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَئِمَّهِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِیُّ.

أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَی الدِّینِ، أَلَا إِنَّهُ الْمُنْتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِینَ أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْحُصُونِ وَ هَادِمُهَا، أَلَا إِنَّهُ قَاتِلُ کُلِّ قَبِیلَهٍ مِنْ أَهْلِ الشِّرْکِ، أَلَا إِنَّهُ مُدْرِکٌ بِکُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِیَاءِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدِینِ اللَّهِ، أَلَا إِنَّهُ الْغَرَّافُ فِی بَحْرٍ عَمِیقٍ. أَلَا إِنَّهُ لَیَسِمُ کُلَّ ذِی فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَ کُلَّ ذِی جَهْلٍ بِجَهْلِهِ.

أَلَا إِنَّهُ خِیَرَهُ اللهِ وَ مُخْتَارُهُ أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ کُلِّ عِلْمٍ وَ الْمُحِیطُ بِهِ. أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْمُنَبِّهُ بِأَمْرِ إِیمَانِهِ، أَلَا إِنَّهُ الرَّشِیدُ السَّدِیدُ.

أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَیْهِ أَلَا إِنَّهُ قَدْ بُشِّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ بَیْنَ یَدَیْهِ أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِی حُجَّهً وَ لَا حُجَّهَ بَعْدَهُ وَ لَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَ لَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ. أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَ لَا مَنْصُورَ عَلَیْهِ أَلَا وَ إِنَّهُ وَلِیُّ اللهِ فِی أَرْضِهِ، وَ حُکْمُهُ فِی خَلْقِهِ وَ أَمِینُهُ فِی سِرِّهِ وَ عَلَانِیَتِهِ.

ص:۵۲

ای مردم! من، پیامبر و علی، وصیّ و جانشین من است. بدانید که آخرین امام از ماست که همو قیام کننده و مهدی (هدایت شده) است.

هان! او بر همهٔ ادیان پیروز و انتقام گیرنده از ستمگران است.

آگاه باشید او فاتح دِژها و درهم کوبندهٔ آن هاست. آگاه باشید اوست که همهٔ گروه های اهلِ شرک را می کُشد و آگاه باشید هموست که برای همهٔ اولیای خدا خونخواهی می کند.

آگاه باشید که اوست نصرت بخش دین خدا. آگاه باشید اوست که از دریای ژرف [علوم نبوی،] فراوان می نوشد. هان! اوست که نشان فضل هر فاضلی و جهل هر جاهلی را بر روی می نهد.(۱)

آگاه باشید او بهترین آفریدهٔ خدا و برگزیدهٔ اوست. بدانید او همهٔ علوم را به ارث برده و بر آن ها احاطه دارد.

هان که او خبردهندهٔ از پروردگارش و آگاهی بخش به ایمانش است!

هان! اوست راه یافته ای استوار که [ازسوی خدا، امرِ خلایق] به او واگذار شده است.

بدانید او کسی است که پیشینیان، همه به آمدنش بشارت داده اند. بدانید او جاودانه حجّتی است که بعد از او حجّتی نیست؛ چنان که حقّی نیست؛ جز با او و نوری نیست؛ جز نزد او.

آگاه باشیدکه هیچ کس بر او غالب نشود و کسی که بر ضدّ اوست، یاری نشود. آگاه باشید که او ولیِّ خدا در زمین و فرمان خدا در خلق و امین او در امور پنهانی و آشکارست.



---

۱- . میزان دانش هرفرد را معیّن کرده و او را در مقامی قرار می دهد که شایسته آن است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ قَدْ بَيَّنْتُ لَكَم وَ أَفْهَمْتُكَمْ وَ هَذَا عَلِيٌّ يُفْهِمُكَمْ بَعْدِی أَلَا وَ إِنِّی عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِی أَدْعُوكُمْ إِلَی مُصَافَقَتِی عَلَی بَيْعَتِهِ وَ الْإِقْرَارِ بِهِ، ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ بَعْدِی. أَلَا وَ إِنِّی قَدْ بَايَعْتُ اللهَ وَ عَلِيٌّ قَدْ بَايَعَنِی، وَ أَنَا آخِذُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ. «فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَی نَفْسِهِ».(۱)

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللهِ )فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا((۲)

مَعَاشِرَ النَّاسِ، حِجُّوا الْبَيْتَ فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتٍ إِلَّا اسْتَغْنَوْا وَ لَا تَخَلَّفُوا عَنْهُ إِلَّا افْتَقَرُوا.

مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا وَقَفَ بِالْمَوْقِفِ مُؤْمِنٌ إِلَّا غَفَرَ اللهُ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ إِلَی وَقْتِهِ ذَلِكَ، فَإِذَا انْقَضَتْ حَجَّتُهُ اسْتُؤْنِفَ عَمَلُهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ الْحُجَّاجُ مُعَاوَنُونَ وَ نَفَقَاتُهُمْ مُخَلَّفَةٌ وَ اللَّهُ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ حِجُّوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَ التَّفَقُّهِ وَ لَا تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ إِلَّا بِتَوْبَةٍ وَ إِقْلَاعٍ.



---

۱- . فتح، ۱۰.

۲- . بقره، ۱۵۸.

ای مردم! من گفتنی ها را برایتان روشن گفته و به شما فهماندم و این علی، عهده دارِ فهماندن آن ها بعد از من است.

هان! شما را دعوت می کنم که بعد از تمام شدن خطبه ام، بر پیمان با علی و اقرار به [ولایت و امامتِ] او، با من دست دهید؛ سپس بر همین پیمان دست او را بفشارید.

هان! به تحقیق که من با خدا بعیت کردم و علی با من بعیت کرده است و من ازطرفِ خدای عزّ و جل برای علی از شما بیعت می گیرم «و هرکه پیمان شکنی کند؛ همانا ضررش متوجّه خود اوست.»

ای مردم! حج و عمره از شعائر و نشانه های دین خداست؛ «پس هرکه حج خانۀ کعبه یا اعمال مخصوصِ عمره را به جا آورد، باکی بر او نیست که بر آن دو (صفا و مروه) طواف کند.»

ای مردم! آهنگِ خانۀ خدا کنید که اهل هیچ خانواده ای در آن وارد نشد؛ مگر آنکه بی نیاز شد و خانواده ای از آن روی بر نتافت؛ مگر اینکه فقیر شد.

ای مردم! هیچ مؤمنی در موقف نمی ایستد؛ مگر اینکه خداوند جمیع گناهان او را تا آن زمان می آمرزد و پس از اختتام و پایانِ حج، پروندۀ اعمال نو و تازه ای برای او گشوده می شود.

ای مردم! حج گزاران، ازطرف خداوند یاری می شوند و هزینه هایشان در این راه جبران می شود و خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند.

ای مردم! حج را با دین کامل و تَفَقُّه و بصیرت به جا آورید و از مَشاهِد و مراسم، بدون توبه و کنده شدن از معاصی مراجعت نکنید.

ص:۵۵

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَقِيمُوا الصَّلَاهَ وَ آتُوا الزَّكَاهَ* كَمَا أَمَرَكُمُ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ، لَئِنْ طَالَ عَلَيْكَمُ الْأَمَدُ فَقَصَرْتُمْ أَوْ نَسِيتُمْ فَعَلِيٌّ وَلِيُّكَمْ وَ مُبَيِّنٌ لَكُمُ الَّذِی نَصَبَهُ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ بَعْدِی.

ای مردم! نماز بر پای دارید و زکات و حقّ مسلّم مالی خود را بپردازید؛ همان گونه که خدا به شما فرمان داده است و اگر بر اثر گذشت زمان [از انجام دادن تکالیف شرعی] کوتاهی کردید یا [حکمش را] فراموش کردید؛ پس علی، ولیِّ شما و روشن کننده [احکام] برای شماست. [این علی] همان [است] که خداوند او را بعد از من نصب فرموده است.

وَ مَنْ خَلَّفَهُ اللهُ مِنِّی وَ أَنَا مِنْهُ يُخْبِرُكُمْ بِمَا تَسْأَلُونَ عَنْهُ وَ يُبَيِّنُ لَكُمْ مَا لَا تَعْلَمُونَ.

أَلَا إِنَّ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهُمَا وَ أُعَرِّفَهُمَا فَآمُرَ بِالْحَلَالِ وَ أَنْهَى عَنِ الْحَرَامِ فِی مَقَامٍ وَاحِدٍ فَأُمِرْتُ أَنْ آخُذَ الْبَيْعَهَ مِنْكُم وَ الصَّفْقَهَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِی عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّهِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّی وَ مِنْهُ أَئِمَّهٌ قَائِمَهٌ مِنْهُمُ الْمَهْدِیُّ إِلَی يَوْمِ الْقِيَامَهِ الَّذِی يَقْضِی بِالْحَقِّ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، كُلُّ حَلَالٍ دَلَلْتُكُمْ عَلَيْهِ وَ كُلُّ أَوْ حَرَامٍ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ، فَإِنِّی لَمْ أَرْجِعْ عَنْ ذَلِكَ وَ لَمْ أُبَدِّلْ.

أَلَا فَاذْكُرُوا ذَلِكَ وَ احْفَظُوهُ وَ تَوَاصَوْا بِهِ، وَ لَا تُبَدِّلُوهُ وَ لَا تُغَيِّرُوهُ.

ص:۵۶

و [خداوند او را] جانشین من قرار داده است و من هم از اویم. علی پرسش های شما را پاسخ می گوید و آنچه نمی دانید برای شما بیان می کند.

بدانید حلال و حرام خدا بیش از آن است که بتوانم همه آن ها را شماره کرده و معرفی کنم و در یک مجلس، به همهٔ حلال ها امر و از همهٔ حرام ها نهی کنم؛ بنابراین مأموریت یافتم تا دربارهٔ قبول آنچه ازطرف خدای عزّ و جل آورده ام، از شما پیمان بگیرم و دست تعهّد دهیم و آن دربارهٔ علی امیر مؤمنان و امامان بعد از اوست؛ آنان که هم از من و هم از او هستند؛ اینان امامانی قیام کننده به حق هستند و مهدی از آنان است تا روز قیامت که به حق حکم می کند.

ای مردم! شما را به همهٔ کارهای روا و حلال دلالت کردم و از همهٔ کارهای حرام بازداشتم. من هرگز از این امر و نهی ام برنمی گردم و سخنانم را تغییر و تبدیل نمی دهم.

هان! که این مطلب را همواره به یاد آورید و به خاطر سپارید و یکدیگر را بر آن سفارش کنید؛ سخنم را عوض نکنید و دگرگون نسازید.

أَلَا وَ إِنِّی أَجَدِّدُ الْقَوْلَ، أَلَا فَأَقِیمُوا الصَّلَاهَ وَ آتُوا الزَّکَاهَ وَ أْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ انْهَوْا عَنِ الْمُنْکَرِ.

أَلَا وَ إِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْیِ عَنِ الْمُنْکَرِ أَنْ تَنْتَهُوا إِلَی قَوْلِی وَ تُبَلِّغُوهُ مَنْ لَمْ یَحْضُرْ وَ تَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ وَ تَنْهَوْهُ عَنْ مُخَالَفَتِهِ فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مِنِّی وَ لَا أَمْرَ بِمَعْرُوفٍ وَ لَا نَهْیَ عَنْ مُنْکَرٍ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ مَعْصُومٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، الْقُرْآنُ یُعَرِّفُکُمْ أَنَّ الْأَئِمَّهَ مِنْ بَعْدِهِ وُلْدُهُ وَ عَرَّفْتُکُمْ أَنَّهُ مِنِّی وَ أَنَا مِنْهُ حَیْثُ یَقُولُ اللهُ فِی کِتَابِهِ:

)وَ جَعَلَهَا کَلِمَهً بَاقِیَهً فِی عَقِبِهِ([1]، وَ قُلْتُ: «لَنْ تَضِلُّوا مَا إِنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهِمَا».

مَعَاشِرَ النَّاسِ التَّقْوَی، التَّقْوَی وَ احْذَرُ السَّاعَهَ، کَمَا قَالَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ: )إِنَّ زَلْزَلَهَ السَّاعَهِ شَیْ ءٌ عَظِیمٌ([2]

أُذْکُرُوا الْمَمَاتَ وَ الْحِسَابَ وَ الْمَوَازِینَ وَ الْمُحَاسَبَهَ بَیْنَ یَدَیْ رَبِّ الْعَالَمِینَ، وَ الثَّوَابَ وَ الْعِقَابَ. فَمَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَهِ أُثِیبُ عَلَیْهَا وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّیِّئَهِ فَلَیْسَ لَهُ فِی الْجِنَانِ نَصِیبٌ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنَّکُمْ أَکْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِی بِکَفٍّ وَاحِدَهٍ



---

۱- . زخرف، ۲۸.

۲- . حج، ۱.

توجّه کنید! گفتارم را دیگرباره تکرار می کنم:

هـان! نماز به پا داریـد و زکات را [که حق بینوایان است،] ادا کنیـد. به نیکی امر کنیـد و از بـدی باز داریـد؛ امّا بدانیـد اصل و اساسِ امربه معروف و نهی ازمنکر، این است که به گفتار امروزم تا آخر کار پابرجا بمانیـد و به کسانی که حاضـر نبودنـد [این پیـام را] برسانیـد و دیگران را به قبول آن امر کنیـد و از مخالفت و سـرپیچی از آن نهی کنیـد که همانا این امری است ازطرف خدای عزّ و جل و از من. امربه معروف و نهی ازمنکر، جز با قبول امام معصوم تحقق نمی یابد.

ای مردم! قرآن پیشوایان بعد از علی را که فرزندان اویَند، به شما معرفی می کند و من هم به شما شناساندم که آن ها از [نسل] من و علی هسـتند. آنجا در کتابش می گوید: «توحید را کلمهٔ ماندگاری در فرزندانش قرار داد» و من هم [برای معرفی آن ها] گفتم: «اگر به قرآن و عترتم چنگ زنید، هرگز گمراه نشوید.»

ای مردم! تقوی، تقوی! (خویشتن دار باشید) از لحظهٔ آمدن رستاخیز بترسید! آن چنان که خدای عزّ و جل فرموده است: «همانا زمین لرزهٔ قیامت، حادثهٔ بزرگ و سـختی است.» مرگ و حساب و برپاشدن میزان ها و حسابرسـیِ اعمال در پیشگاه پروردگار جهانیـان و پـاداش و کیفر را به یـاد آوریـد. هرکه کردار نیکو بیاورد، پاداش می بینـد و آن که رفتارش ناپسـند باشـد، او را از سرای مینو بهره ای نیست.

ای مردم! شما بیشتر از آن هستید که بتوانید همه تک تک با من بعیت کنید.

ص:۵۹

وَ قَدْ أَمَرَنِی اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ آخُذَ مِنْ أَلْسِنَتِکُمُ الْإِقْرَارَ بِمَا عَقَدْتُ لِعَلِیٍّ مِنْ إِمْرَهِ الْمُؤْمِنِینَ وَ مَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَئِمَّهِ مِنِّی وَ مِنْهُ عَلَی مَا أَعْلَمْتُکُمْ أَنَّ ذُرِّیَّتِی مِنْ صُلْبِهِ.

فَقُولُوا بِأَجْمَعِکُمْ إِنَّا سَامِعُونَ مُطِیعُونَ رَاضُونَ مُنْقَادُونَ لِمَا بَلَّغْتَ عَنْ رَبِّنَا وَ رَبِّکَ فِی أَمْرِ عَلِیٍّ وَ أَمْرِ وُلْدِهِ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْأَئِمَّهِ نُبَایِعُکَ عَلَی ذَلِکَ بِقُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ أَلْسِنَتِنَا وَ أَیْدِینَا

عَلَی ذَلِکَ نَحْیَی وَ نَمُوتُ وَ نُبْعَثُ وَ لَا نُغَیِّرُ وَ لَا نُبَدِّلُ وَ لَا نَشُکُّ وَ لَا نَرْتَابُ وَ لَا نَرْجِعُ عَنِ الْعَهْدِ وَ لَا نَنْقُضُ الْمِیثَاقَ وَ نُطِیعُ اللهَ وَ نُطِیعُکَ وَ عَلِیّاً أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ وَ وُلْدَهُ الْأَئِمَّهَ الَّذِینَ ذَکَرْتَهُمْ مِنْ ذُرِّیَّتِکَ مِنْ صُلْبِهِ بَعْدَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ اللَّذَیْنِ قَدْ عَرَّفْتُکُمْ مَکَانَهُمَا مِنِّی وَ مَحَلَّهُمَا عِنْدِی وَ مَنْزِلَتَهُمَا مِنْ رَبِّی -عَزَّ وَ جَلَّ-، فَقَدْ أَدَّیْتُ ذَلِکَ إِلَیْکُمْ، وَ أَنَّهُمَا سَیِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّهِ، وَ أَنَّهُمَا الْإِمَامَانِ بَعْدَ أَبِیهِمَا عَلِیٍّ وَ أَنَا أَبُوهُمَا قَبْلَهُ.

وَ قُولُوا أَطَعْنَا اللهَ بِذَلِکَ وَ إِیَّاکَ وَ عَلِیّاً وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَیْنَ وَ الْأَئِمَّهَ الَّذِینَ ذَکَرْتَ عَهْداً وَ مِیثَاقاً مَأْخُوذاً لِأَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ مِنْ قُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ أَلْسِنَتِنَا وَ مُصَافَقَهِ أَیْدِینَا،

خدای عزّ و جل به من فرمان داد که از شما اقرار زبانی بگیرم دربارهٔ پیمانی که با شما بستم دربارهٔ امیرمؤمنان بودن علی علیه السلام و امامانی که بعد از او می آیند و از من و اویند و همان طورکه به شما اعلام کردم: فرزندان من از نسل او خواهند بود.

پس همگی یک صدا شده و بگویید: «شنیدیم، فرمانبرداریم، خشنودیم و گردن نهادیم بر آنچه از پروردگارت دربارهٔ علی و امیری و فرمانروایِی فرزندان از پشت او که امامان آینده اند، به ما ابلاغ کردی؛ با دل ها و جان ها و زبان ها و دست هایمان، بر این مهّم، با تو بیعت می کنیم.

برای این [پیمان] زندگی می کنیم و می میریم و برانگیخته می شویم. هیچ تغییری و تبدیلی در این مهمّ نخواهیم داد، هیچ دودلی و تردیدی نخواهیم داشت، از عهدمان برنخواهیم گشت و پیمانمان را نخواهیم شکست. خدای را فرمانبرداریم و تو و علی علیهما السلام را که امیر مؤمنان است و فرزندانش را که امام هستند نیز طاعت پذیریم. همان امامانی که گفتی فرزندان تو از پشت او و بعد از حسن و حسین علیهما السلام هستند.» آن، دو گران قدری که پایگاه و رتبه شان را نزد خودم و منزلتشان را در پیشگاه پروردگارم به شما شناساندم. همانا این مطالب را به شما رساندم، به درستی که آن دو، سروَر و برتر جوانان بهشتی اند و هر دوِ آن ها بعد از پدرشان علی، امام هستند و پیش از علی، من پدر آن دو هستم.

باز بگویید: «در این امر اطاعت می کنیم خدا و تو را و علی و حسن و حسین علیهم السلام و ائمّه ای را که تو یادآور شدی؛ تا عهدوپیمانی گرفته شده برای امیرمؤمنین از دل و جان و زبان ما باشد که با دست بیعت تأیید شده است.

ص:۶۱

مَنْ أَدْرَكَهُمَا بِيَدِهِ وَ أَقَرَّ بِهِمَا بِلِسَانِهِ، وَ لَا نَبْتَغِی بِذَلِکَ بَدَلًا وَ لَا نَرَی مِنْ أَنْفُسِنَا عَنْهُ حِوَلًا أَبَداً.

أَشْهَدْنَا اللَّهَ وَ کَفَی بِاللَّهِ شَهِیداً وَ أَنْتَ عَلَیْنَا بِهِ شَهِیدٌ، وَ کُلُّ مَنْ أَطَاعَ مِمَّنْ ظَهَرَ أَوِاسْتَتَرَ وَ مَلَائِکَهُ اللَّهِ وَ جُنُودُهُ وَ عَبِیدُهُ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ مِنْ کُلِّ شَهِیدٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا تَقُولُونَ فَإِنَّ اللَّهَ یَعْلَمُ کُلَّ صَوْتٍ وَ خَافِیَهَ کُلِّ نَفْسٍ، )فَمَنِ اهْتَدَی فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا یَضِلُّ عَلَیْهَا((۱) وَ مَنْ بَایَعَ فَإِنَّمَا یُبَایِعُ اللَّهَ، )یَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَیْدِیهِمْ((۲)

مَعَاشِرَ النَّاسِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ بَایِعُوا عَلِیّاً أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَیْنَ وَ الْأَئِمَّهَ کَلِمَهً طَیِّبَهً بَاقِیَهً یُهْلِکُ اللَّهُ مَنْ غَدَرَ وَ یَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ وَفَی )فَمَنْ نَکَثَ فَإِنَّمَا یَنْکُثُ عَلَی نَفْسِهِ وَ مَنْ أَوْفَی بِمَا عَاهَدَ عَلَیْهُ اللَّهَ فَسَیُؤْتِیهِ أَجْراً عَظِیماً ((۳) مَعَاشِرَ النَّاسِ قُولُوا الَّذِی قُلْتُ لَکُمْ، وَ سَلِّمُوا عَلَی عَلِیٍّ بِإِمْرَهِ الْمُؤْمِنِینَ وَ قُولُوا



---

۱- . زمر، ۴۱.

۲- . فتح، ۱۰.

۳- . فتح، ۱۰.

هرکه آن دو را درک کنـد، دست بیعت می دهـد و به زبـان اقرار می کنـد و به جای آن، چیزی دیگر برنمی گزینیم و به خود نمی بینیم که هیچ گاه از پیمانمان برگردیم.

خـدا را بر این پیمـان گواه می گیریم و خـدا برای گواه بودن کفـایت می کنـد. و [ای پیـامبر!] در این پیمـان تو نیز بر مـا گواه هستی. هر آن که اطاعت خدا کند، آشکار باشد یا پنهان و فرشتگان خدا و لشکریان و بندگانش [همه را به گواهی می طلبیم] و خدای تعالی از هر گواه و ناظری برتر است.»

ای مردم! آنچه می گوییـد [باتوجّه و مراقبت باشـد که] همانا خـدا می داند هر صدا را و [نیز] آنچه در دل پنهان دارید. «هرکه هـدایت شود، به سود خود اوست و هرکه گمراه شود، یقیناً به زیان خودش تمام شود.» کسـی که بیعت کند، درحقیقت با خدا بیعت کرده است و «دست خدا، زَبَر دست هایشان است.»

ای مردم! از [خشمِ] خـدا بپرهیزیـد و بـا علی امیر مؤمنان و حسن و حسـین و امامان [بعـد از ایشان] بیعت کنیـد که کلمـهٔ پاکِ پایدار الهی اند. خَدا هرکه را خیانت کرده و پیمان شـکند، هلاک می کند و کسی را که به پیمانش وفا کند، مشمول رحمتش می کند؛ «پس هرکه پیمان شـکَنَد، بدنامی و زیان آن به خودش می رسد و آن که وفا کند به عهدی که با خدا بسـته است، به زودی پاداش عظیمی به او خواهد داد.»

ای مردم! هرآنچه به شما گفتم، بگویید و بر علی علیه السلام به عنوان امیرالمؤمنین سلام دهید و بگویید:

)سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا غُفْرَانَکَ رَبَّنَا وَ إِلَیْکَ الْمَصِیرُ([(۱)](#) وَ قُولُوا )أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا کُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْ لَآ أَنْ هَدَانَا اللهُ لَقَدْ جَآءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَ نُودُواْ أَنْ تِلْکُمُ الْجَنَّهُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ( [(۲)](#)

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ فَضَائِلَ عَلِیٍّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام عِنْدَ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قَدْ أَنْزَلَهَا فِی الْقُرْآنِ أَکْثَرَ مِنْ أَنْ أُحْصِیَهَا فِی مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَمَنْ أَنْبَأَکُمْ بِهَا وَ عَرَّفَهَا فَصَدِّقُوهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ مَنْ یُطِعِ اللهَ وَ رَسُولَهُ وَ عَلِیّاً وَ الْأَئِمَّهَ الَّذِینَ ذَکَرْتُهُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزاً عَظِیماً.

مَعَاشِرَ النَّاسِ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ إِلَی مُبَایَعَتِهِ وَ مُوَالاتِهِ وَ التَّسْلِیمِ عَلَیْهِ بِإِمْرَهِ الْمُؤْمِنِینَ، أُولَئِکَ هُمُ الْفَائِزُونَ فِی جَنَّاتِ النَّعِیمِ.مَعَاشِرَ النَّاسِ، قُولُوا مَا یَرْضَی اللهُ بِهِ عَنْکُمْ مِنَ الْقَوْلِ، فَإِنْ تَکْفُرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِی الْأَرْضِ جَمِیعاً... فَلَنْ یَضُرَّ اللهَ شَیْئاً. أَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِینَ وَ اغْضِبْ عَلَی الْکَافِرِینَ.

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ.[Z۱]

ص:۶۴

---

۱- . بقره، ۲۸۵.

۲- . اعراف، ۴۳.

«شنیدیم و فرمانبرداریم. پروردگارا! آمرزشِ تو را خواهانیم؛ بازگشت همه به سوی توست.» و بگویید: «ستایش و سپاس خدایی را سزاست که ما را به این (نعمت امامت و ولایت علی علیه السلام ) هدایت فرمود و اگر راهنماییِ خدا نبود، ما [به این نعمت] هدایت نمی شدیم. مسلّماً فرستادگان پروردگار ما، حق را آوردند و [در این هنگام،] به آنان ندا داده می شود: «این بهشت را در برابر اعمالی که انجام می دادید، به ارث بردید!»

ای مردم! به راستی فضایل و شایستگی های علیّ بن ابی طالب علیه السلام نزد خدای عزّ و جل که در قرآن فرو فرستاده بیش از آن است که [در یک مجلس] برشمارم؛ پس کسی که آن فضایل را برای شما برشمرده و بشناساند، او را تصدیق کنید.

ای مردم! هرکه خدا و رسولش صلی الله علیه و آله وسلم و علی علیه السلام و امامانی را اطاعت کند که یادآوری کردم؛ یقیناً به رستگاری بزرگی نائل شده است.

ای مردم! سبقت گیرندگان در بیعت و دوستی و یاریِ علی علیه السلام و سلام کردن (سلام کنندگان) بر او به عنوان «امیر مؤمنان»، ایشان رستگاران پیروزمند هستند که در باغ های پرنعمت بهشتی جای دارند.

ای مردم! آنچه خدا به گفتن آن از شما خشنود می شود، به زبان آورید.

اگر شما و همهٔ کسانی که در زمین هستند، کافر شوید؛ هرگز زیانی به خدا نمی رسد.

بارالها! مؤمنان را ببخش و بیامرز و بر کافِران [که حقایق را پوشیده می دارند]، خشم گیر.

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

ص:۶۵

[Z۱]ترجمه بیاید؟

## پیام غدیر

اینک که به آخر خطبه رسیدیم و می خواهیم از صحنهٔ غدیر بیرون رَویم، جای این پرسش هست که از استماع آن سخنرانی رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم ما را چه عاید شد؟ آیا موضوع معرفی فردی شایسته از خویشان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است فقط برای اینکه آن فرد را دوست داشته باشیم؟! یا نه؛ انتصاب مسلمانی است کامل و زبان و شایسته که پروردگار دانا او را ادامه دهندهٔ راه رسولش دانسته است و بیان کنندهٔ اصول و فروع دین و اجراکنندهٔ احکام قرآن؟

پیام خطبهٔ غدیر این است: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم که دینش خاتم ادیان است، باید به امر خدای تعالی، یکی از تربیت یافتگانش را برای ادامهٔ رسالتش تعیین کند و اگر این کار را نکند، چنان است که **۲۳** سال زحماتش را به دست حوادث نامعلوم تاریخ سپرده است؛ زیرا هنوز تعصب های جاهلیت موجود بود و خُلق وخوی عصر شرک در بسیاری از افراد مُسن ریشه کن نشده بود؛ چنان که آثارش پس از رحلت آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم آشکار شد و دیدیم که بنی امیه بیشترین ستم را بر عترت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم روا داشتند و فجایعی ننگین در خانهٔ خدا به بار آوردند.

خطبهٔ غدیر می گوید: در جامعهٔ اسلامی که حق حاکمیت با احکام خداست، باید فقیهی متخصّص در اصول و فروع دین و اسلام شناسی آگاه به زمان و جریانات سیاسی در رأس هِرم حکومت قرار گیرد. او باید شخصی پارسا و دور از هوی و دل آگاه و بصیر باشد تا بتواند با یاری و مشورت با متخصصان سیاسی و اهلِ فن، مدیریت کلی جامعه را در دست داشته باشد و راهبر و هدایتگر شود؛ همچنین باید تاجایی که امکان دارد،

بر اجرای عدالت علوی پای فشارد و عزّت و استقلال مسلمانان و حفظ ثغور (مرزهای) کشور اسلامی را در نظر داشته باشد... .

این کلیاتی است که از خطابهٔ غدیر استنباط می شود و پیش از آن، قرآن با آیاتی مانند: )وَ مَنْ لَمْ یَحْکُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللهُ فَأُولَئِکَ هُمُ الْکَافِرُون(1)؛ (و آنان که به احکامی که خدا نازل کرده است، حکم نمی کنند، کافرند.)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم این احکام را به ما آموخته اند و در سیره و سنّت ایشان نیز اجرا شده است.

شاید پرسیده شود: «چرا اهلِ سنّت چنین عمل نمی کنند و اصولاً بینش حکومتی آن ها چیست؟»

مطمئن ترین جواب که دور از پیش داوری یا تعصب باشد، آن است که به نقل قول علمای آنان بپردازیم؛ پس مرور می کنیم:

حافظی بزرگ و محدثی معروف به نام 'محی الدین یحی نوَوی شافعی(2)

در شرحش بر صحیح مسلم می نویسد: «همهٔ اهلِ سنت از فقها و محدثین و متکلّمین بر این عقیده اند که خلیفه و حاکم به خاطر فسق و ظلم و تعطیل احکام خدا، عَزل و خَلع نمی شود و خروج و قیام علیه او جایز نیست؛ فقط باید او را پند داد.»(3)

'مُستَملی بخارائی که دانشمندی است صوفی مسلک، پیش از او،



---

1- . مائده، 44: آیات 45و47 این سوره نیز با تفاوت کلمهٔ آخر آیه (الکافرون و الفاسقون)، همانند همین آیه است.

2- . وفات: 676.

3- . المِنهاج، حاشیه ارشاد الساوی شرح صحیح بخاری، ج8، ص36، به نقل از: حماسهٔ غدیر، ص56.

با بسط و شرح بیشتر درهمین باره می نویسد: «نزدیک معتزله(۱)، چون امامت جز در اولاد علی علیه السلام نباید که باشد؛ غیر ایشان، خودْ سلطان نباشد و بَر وی خروج کردن فریضه باشد و کشتن او حلال باشد و باز نزدیک اهلِ سنت و جماعت، سلطانِ جائِر، همچنان سلطان باشد که سلطان عادل و نشاید بر او خروج کردن و طاعت داشتن او را در

آنچه طاعت خدای عزّ و جل در اوست و آنچه در او معصیت است، طاعت نشاید داشتن؛ لیکن بااین همه، سلطان باید دانستن و از پسِ او نماز باید کردن!...».(۲)

برای زدودن تردید و شگفتی از این عقاید، شما خوانندگان عزیز را به کتاب گران سنگ الغدیر(۳)

ارجاع می دهیم تا ملاحظه کنید که متکلمان (علمای عقاید) و دانشمندان بزرگ اهلِ سنت مانند: باقلانی در التمهید،(۴) تفتازانی در شرح مقاصد،(۵)

قاضی ایجی در مواقف و دیگران نیز، همه نظیر چنین عقایدی را ابراز داشته اند و آراء سیاسی و موضع گیری آن ها در برابر حاکمان ستمگر اموی و عباسی و بعد از آنان، همه بر همین اساس مبتنی بوده است. این در تاریخ مسلمانان، واقعیتی است روشن و تأسف آور.

شیعه به برکت خطبهٔ غرّای غدیر خُم و احادیث معصومان علیهم السلام از عترت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم ، نه تنها سلطان و حاکم، بلکه حتی عالمی را هم که دنیادوست و مقام پرست باشد، ازنظر شرعی قابلِ اعتماد نمی داند؛ چراکه

ص:۶۸

---

۱- . مقصودش شیعه است. در قدیم بعضی نویسندگان به خطا، شیعه را چون در حُسن و قبح عقلی با معتزله مشترک هستند، به نام معتزله خوانده اند.

۲- . شرح التعرّف لمذهب التصوف، چاپ لکنهو، ج۲، ص ۳۰.

۳- . الغدیر، ج۷، ص۱۳۶تا۱۴۵.

۴- . التمهید، ص۱۸۵و۱۸۶.

۵- . شرح مقاصد، ص۲۷۲.

در روایتی از امـام جعفر صـادق علیه السـلام ، رسول خـدا صـلی الله علیه و آله وسـلم می فرماینـد: «فقیهـان، امانت دار پیامبران هسـتند؛ تازمانی که در دنیا وارد نشـده باشـند.» گفته شد: «ای رسول خدا! مقصود از داخل شدن آن ها در دنیا چیست؟» پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله وسـلم پاسـخ فرمودنـد: «پیروی از سـلطان که وقتی چنین کردنـد، از آنـان دربارهٔ امور دینتان برحـذر باشید... .»(۱)

سلطان نیز کسی است که نه متکی بر آراء مردم، بلکه با قوهٔ قهریه به مردم تسلّط یافته و حکمرانی کند.

سپاس خـدای را که پس از چهارده قرن، فرزندی از دودمان امامان معصوم علیهم السـلام ، فقیه مجاهد، امام روح الله خمینیR برای خدا قیام کرد و با یاری ملتی سـلحشور، توانست پیام غدیر را به گوش جهانیان برساند و عملاً حکومت اسلامی را پس از همه پرسی پایه گذاری کند.

اینـک بیش از سه دهه سـال از پیروزی انقلاب می گـذرد؛ ملت ایران به توفیق الهی و عنایات حضـرت مهـدی‘عجل الله تعالی فرجه الشـریف و رهبری آیت الله خامنه ای‘مـدّظلّه العالی، مشـکلات زیادی را پشت سـر گذاشـته است و بلندتر و توفنده تر از پیش، پیـام غـدیر را در آثـار فرهنگی خود به گوش جهانیـان می رسانـد و آنـان هم بـا انقلاـب علیه شاهـان مسـتبدِ مال انـدوزِ نوکرمآب خود، برای کشورهای خود، جمهوری اسلامی را می طلبند.

وَ مِنَ الله التوفیق

ص:۶۹

---

۱- . الأصول الکافی، ج۱، باب المستأکل بعلمه و المباهی به، ص۴۶.

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.


آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹